همبستگی

۳۳

سرطان ۱۳۹۴
(جولای ۲۰۱۵)

نشریه حزب همبستگی افغانستان



همبستگی

صاحب امتیاز: حزب همبستگی افغانستان

مدیر مسوول: سیدمحمود همرزم

شماره تماس: ۰۰۹۳-۷۰۰-۲۳۱۵۹۰

شماره جواز: ۸۷

اهداف ما

- افغانستان مستقل، آزاد، دموکراتیک و یکپارچه.
- وحدت ملی بر پایه استقرار و تحکیم دموکراسی استوار بر سکیولاریزم.
- تساوی حقوق زن و مرد و تمامی ملیت‌های کشور.
- مبارزه بر ضد هر نوع بنیادگرایی، ارتجاع و مداخلات خارجی.
- خروج فوری نیروهای اشغالگر امریکایی و ناتو از افغانستان.
- دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و مترقی ملل دربند جهان.

در این شماره:

شماره ۳۲، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

اعلامیه

خون فرخنده شهید
وجدان هر افغان شرافتمند است،
نگذاریم خاینان بر وجدان ما پا گذارند!



زجرکش‌شدن وحشیانه فرخنده در کابل، نه تنها افغانستان که جهان را تکان داد. فرخنده نماد توحش در برابر ملتی شد که چهار دهه می‌شود در جهنم جهل و جنایت و اشغال می‌سوزد. این حادثه ملت را متحد ساخته، از هرسو صدای عدالتخواهی بلند شد که نهایتا دولت «وحشت ملی» را مجبور ساخت تا محاکمه فرمایشی‌ای برای فرونشاندن خشم ملت برگزار کند.

اما از نخستین روزها معلوم بود که جلادان حاکم با حمایت از درندگان اصلی فرخنده، می‌کوشند با نیرنگ این قضیه را زیر زده، موج اعتراضات مردم را مهار نمایند. ابتدا سران نیروهای امنیتی، که ندانم‌کاری شان هویدا بود، و مقاماتی که از این فاجعه حمایت کردند، از بازخواست نجات داده شدند، بعد وعده بازداشت چند بدمعاش شورای نظاری مسبب این ددمنشی نظیر حبیب ده‌افغانان را دادند، ولی تا امروز از دستگیری آنان خبری نیست.

هرچند محکمه ریشخند ابتدایی چند تن را محکوم نمود، اما محکمه استیناف

کابل، که زیر قیادت ارگ‌نشینان به صورت سری دایر گردید، مجازات چهار قساوت‌پیشه رده اول را از اعدام به حبس ابد کاهش داد در مجازات سایر مجرمان نیز تقلیل وارد نمود. این معامله‌گری پس‌پرده بار دیگر به اثبات رسانید که دولت بی‌کاره و تحمیلی فعلی به همان پیمانه که وطن‌فروش و خاین به این سرزمین است، در برابر خون نجیب فرخنده نیز حامی پلیدترین خونخواران می‌باشد.

فرخنده دیگر تنها به فامیلش تعلق نداشته، به وجدان و ناموس هر افغانی بدل شده‌است که حس انسانیت و شرافت در قلبش خروشان است. بر ماست تا همصدا با مردم بیدار خود نگذاریم ستمکاران حاکم خون فرخنده‌ها را بی‌شرمانه لگدمال و این قضیه را نیز همسان هزاران جنایت و خیانت علنی شان مهر برائت زده، به طاق فراموشی سپارند. اجازه ندهیم غلامان امریکا و قصابان ملت این بار نیز فریاد عدالت‌خواهی مردم به جان رسیده را به آسانی خفه کنند.

اگر علیه این بی‌عدالتی و زیرپاشدن ننگین خون معصوم فرخنده یک مشت شده فریاد دادخواهی بلند نکنیم، شکی نیست که در محکمه تمیز ، که مثل تمامی محاکم افغانستان به ویروس فساد و بنیادگرایی آغشته است، همه جانیان تبرئه شده به دور از انظار رها گردند.

فقط با قاطعیت تمام و گام‌های عملی می‌توان از معصومیت فرخنده دفاع نموده، در جنگی که میان پاسداران جهالت و بربریت از یکسو و حامیان دادخواهی از سوی دیگر درگرفته، عدالت را بر جایگاه رفیع‌اش نشانید. تاریخ نشان داده است که ایستادگی متداوم مردمی می‌تواند جبارترین حاکمان را وادار به تسلیم و عقب‌نشینی سازد.

فراموش نباید کرد که یک مشت شرف‌باختگانی نیز هستند که قضیه فرخنده را پروژه‌ای ساخته با شیرین‌شدن دهن شان از جانب ارگ به خیل درندگان پیوسته با کلمات به ظاهر زیبا می‌کوشند افکار عامه را منحرف سازند. باید این عناصر پلید را از صفوف خود راند و منحیث خاینان به حقوق زن محکوم و روسیاه نمود.

«حزب همبستگی افغانستان» گردانندگان دولت مافیایی حاکم بر سرنوشت ملت را جمعی از جنایتکاران بیگانه‌پرست و ضدملی می‌داند که هرگز به دموکراسی و عدالت ارزشی قایل نیستند. بناً اگر همنوا با مردم خویش آگاهانه

برنخیزم و سکوت را با وحدت سراسری و بسیج همگانی درهم نکوبیم، خون فرخندگان بی‌شماری توسط اراذلی که در سوگ ملت رقص شادی دارند، پایمال شده سرنوشت وطن و مردم ما تا بی‌نهایت با خون و درد و جهل عجین خواهد گشت.

حزب همبستگی افغانستان

۱۵ سرطان ۱۳۹۴ (۶ جولای ۲۰۱۵)

گردهمایی در تقبیح حکم ناعادلانه محکمه درمورد قاتلان فرخنده

۱۵ سرطان ۱۳۹۴: جمعی از اعضا و هواداران حزب همبستگی افغانستان و عده‌ای از شهریان کابل در تقبیح حکم ناعادلانه محکمه استیناف درمورد قاتلان شهید فرخنده، تجمع اعتراضی‌ای در کابل برگزار کردند. در این تجمع که بیش از ۶۰۰ زن و مرد اشتراک ورزیده بودند، معترضان شعارهایی چون «برخیزیم برخیزیم - سکوت ما، ننگ ماست!»، «برخیزیم برخیزیم - مشت ما، تفنگ ماست!»، «ما همه فرخنده‌ایم - جهل را کُشنده‌ایم!»، «دشمن ع و غ ایم - بهر وطن زنده‌ایم!»، «فرخنده، فرخنده، یادت نماد زنده!- دشمن مردم ماست، آن که ترا سوزانده! - یک مشت خاینان اند، با جهل شب روان اند! - کشتند فرخندگان را، خونریز و ناانسان اند!» را سر دادند.

معترضان پلاکارت‌هایی با خود حمل می‌نمودند که روی آن تصاویر خونین فرخنده شهید و شعارهای ذیل دیده می‌شد: «فرخنده جان، شرف بازیم اگر تا مجازات قاتلان اصلی‌ات آرام بنشینیم!»، «بدون پاسداری قاطع و تا به آخر از خون فرخنده، سردادن شعار حقوق زن خیانت است!»، «اگر محاکم فاسد و جنایت‌پرور ببخشند، مردم نمی‌بخشند!»، «فرخنده، در آتش جهل خاینان ملی سوخت!»، «نگذاریم مثل عاملان درجه‌یک فاجعه پغمان، قاتلان اصلی فرخنده از عدالت فرار داده شوند!»، «هموطن، اگر خاموش بنشینی فردا نوبت پرپرشدن خواهر و مادر توست!» «تا جنایتکاران خاین خلع قدرت

نشوند، هر روز فرخنده دیگری قربانی خواهد گشت!»

خانم ملالی جویا نیز که به جمع معترضان پیوسته بود طی سخنرانی کوتاهی تعهد سپرد که تا مجازات قاتلان اصلی فرخنده دست از دادخواهی برنخواهد داشت. او در ضمن گفت:

«از دولتی که خودش متشکل از جنایتکاران و خاینان سه دهه گذشته است و ضدزن‌ترین و خونریزترین عناصر در آن جمع شده اند، انتظار نباید داشت که شرکای جرم‌اش که فرخنده عزیز ما را پرپر کردند به سزای اعمال شان برسانند. این دولت فقط وظیفه دارد که بر جنایات پرده افکند. اما بر مردم ماست که آرام ننشسته جامه خونین فرخنده شهید را پرچم آزادی‌خواهی ساخته تا آخر برای عدالتخواهی مبارزه و تلاش نمایند. فقط با فشار های وسیع مردمی می‌توانیم از خون فرخنده شهید پاسداری نموده به عدالت برسیم.»

سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی، در جریان سخنرانی‌اش گفت:

«اما از نخستین روزها معلوم بود که جلادان حاکم با حمایت از درندگان اصلی فرخنده، می‌کوشند با نیرنگ این قضیه را زیر زده، موج اعتراضات مردم را مهار نمایند.... فراموش نباید کرد که یک مشت شرف‌باختگانی نیز هستند که قضیه فرخنده را پروژه‌ای ساخته با شیرین‌شدن دهن شان از جانب ارگ به خیل درندگان پیوسته با کلمات به ظاهر زیبا می‌کوشند افکار عامه را منحرف سازند.... فقط با قاطعیت تمام و گام‌های عملی می‌توان از معصومیت فرخنده دفاع نموده، در جنگی که میان پاسداران جهالت و بربریت از یکسو و حامیان دادخواهی از سوی دیگر درگرفته، عدالت را بر جایگاه رفیع‌اش نشانید. تاریخ نشان داده است که ایستادگی متداوم مردمی می‌تواند جبارترین حاکمان را وادار به تسلیم و عقب‌نشینی سازد.»

در اخیر ملالی جویا و سیلی غفار در محل سوزانیده‌شدن شهید فرخنده سنگ بنای منار یادبودی را گذاشتند تا این جنایت منحیث نماد توحش علیه زنان افغان ثبت تاریخ شود.


خون فرخنــده شهید
وجدان هر افغان شرافتمند است،
نگذاریم خاینان بر وجدان ما پا گذارند!
حزب همبستگی افغانستان
HAMBASTAGI.ORG
فرخنده جان،
شرف بیازیم
اگر تا مجازات
قاتلان اصلی‌ات
آرام بنشینیم!
تا جنایتکاران خاین
خلع قدرت نشوند،
هر روز فرخنده دیگری
قربانی خواهد گشت!


تا جنایتکاران خاین
خلع قدرت نشوند،
هر روز فرخنده دیگری
قربانی خواهد گشت!
حزب همبستگی افغانستان
فرخنده جان،
شرف بیازیم
اگر تا مجازات
قاتلان اصلی‌ات
آرام بنشینیم!


Farkhunda Incinerated
in the Ignorance of
National Traitors!
حزب همبستگی افغانستان


Farkhunda Incinerated
in the Ignorance of
فرخنده،


د فرخندې کرغېړن وژونکي
نشي کولای د خپلو جنایتکاره مشرانو
ملاتړ پرته دغه ځناورتوب ترسره کړي!
حزب همبستگی افغانستان
www.hambastagi.org
قاتلان اصلی این
سربازان، ع و غ
و اطرافیان شان
اند که با باج‌دهی
و «عذرخواهی» از
طالبان، این
جاهلان را تشویق
به جنایت می‌کنند.



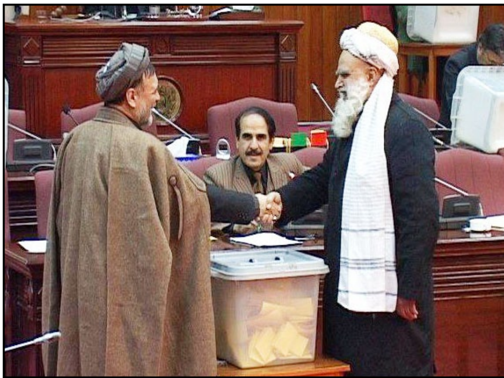



فرخنده جان،
شرف ببازیم
اگر تا مجازات
قاتلان اصلی‌ات
آرام بنشینیم!

شماره ۳۲، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

نویسنده: کاوه عزم

پارلمان افغانستان، مکان امن برای جنایت و فساد



این روزها، مثل اینکه تمام مشکلات کشنده افغانستان حل گردیده و تنها هم و غم مردم ما را انتخابات پارلمانی می‌سازد، دولت و تمامی رسانه‌ها به‌مثابه تیکه‌داران مشغله‌زای شعور عامه به‌گونه‌ی منحرف کننده‌اش مشروعیت یا عدم مشروعیت پارلمان بعد از اول سرطان را به سرخط اخبار شان مبدل کرده اند.

«تحلیلگران» سرکاری و مطبوعات وابسته که گذشته ننگین چند انتخابات را یا فراموش کرده و یا «به تظاهر تزویر می‌کنند» بار دگر به خورد ملت می‌دهند که با برگزاری انتخابات و آمدن چهره‌های «جدید»، دولت مشروعیت قانونی خود را خواهد یافت و افغانستان گل و گلزار خواهد شد. چیزی که با شنیدن آن به ماهیت کثیف و مزدورمنشی روشنفکران خود فروخته بیشتر پی‌برده و نفرت نسبت به اینان در تار و پود هر انسان با وجدان موج می‌زند.

از آنجایی که افغانستان یک کشور اشغال شده با دولت دست‌نشانده، فاسد و مافیایی به سرکردگی بنیادگرایان نکتایی‌پوش و تکنوکرات‌هاست و انتخابات

گذشته ریاست جمهوری‌اش در زمره خیله‌خندترین و بی‌اعتبارترین انتخابات جهان ثبت شد، بنا انتظار اینکه از طریق مضحکه دیگر اینچنینی نمایندگان واقعی ملت به پارلمان راه یابند، خواب و خیالی بیش نیست. اگر انتخاباتی نیز برگزار شود، در آن سرجنایتکاران معلوم‌الحال بار دگر بر گرده‌های زخمی مردم نصب گردیده آنچه از آن سربرخواهد آورد به یقین ادامه همین پارلمان فاسد و مافیایی امروز خواهد بود. زیرا با مرور سرسری به دو دور گذشته پارلمان به سادگی می‌توان دریافت که قوه مقننه افغانستان مملو از سرجنایتکاران و ناقضین حقوق بشر و قاچاقبران مواد مخدر است که با زور تفنگ و پول به این مجلس راه یافته اند و تا زمانیکه اینان خلع‌قدرت نشوند بازهم این به‌اصطلاح «خانه ملت»، محل تجمع جنایتکاران سرشناس خواهد بود و نمایندگان واقعی مردم نمی‌توانند در آن راه یابند.



ملالی جویا نماینده برحق مردم افغانستان که توسط جنایتکاران جنگی از پارلمان به طور غیرقانونی اخراج گردید به تاریخ ۲۲ مارچ ۲۰۱۰ در مصاحبه‌ای با «رادیوی بین المللی سوئد» گفت: «پارلمان افغانستان پارلمانی ضددموکراتیک و غیرمردمی است. یک پارلمان مافیایی و فاسد است. اکثریت اعضای پارلمان تفنگ‌سالار و متهم به نقض حقوق بشر و قاچاق‌بران مواد مخدر هستند. شمار شخصیت‌های دموکرات و ملی در پارلمان افغانستان به تعداد انگشت‌های دست هستند که شامل زن و مرد می‌شوند اما شمار شان بسیار معدود است. به این خاطر که پارلمان ما یک پارلمان دموکراتیک نیست، حتی آزادی بیان در درون این پارلمان وجود ندارد.»

حاضر نشدن به جلسات پارلمان، داشتن امتیازات مادام‌العمر، غصب زمین و اخذ پول از وزاری پیشنهادی دولت و... از کارنامه‌های شرم‌آور دیگر این پارلمان است. به تاریخ ۱۱ ثور ۱۳۹۳ سایت خبری «شبکه اطلاع رسانی

افغانستان» نوشت: «محمد اکرم خپلواک وزیر اسبق اقوام و قبایل، والی اسبق فراه و پکتیکا در زمان حکومت حامد کرزی از طرف ریاست جمهوری مامور شده اســت تا در میان وکلای مجلس دالر و تحایف گرانبها توزیع کند. وی تا کنون برای پیروزی هر نامزد وزیر پیشنهادی اشرف غنی، یک آیفون ۶، یک ســاعت رادو، یک بوتل عطر و برای برخی از وکیل صاحب ها از ۵۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ دالر پول نقد توزیع کرده است.»

در میان صدهاهزار سند دیپلماتیک امریکا که «ویکی لیکس» پخش کرد، ســندی از سفارت امریکا در کابل موجود اســت که فاش می کند ایران برای عده‌ای از معینان وزارتخانه‌ها و وکلای پارلمان پول می‌دهد تا به میل ایران در افغانستان کار کنند. در این میان از عالمی بلخی، احمد جبرییلی و محمد اکبری نام برده شده است که از مهره های ایران در پارلمان اند.

با آنکه به ظاهر ادعا می‌شــود تا زمانیکه در کمیســیون انتخابات اصلاحات نیاید کشورهای کمک کننده حاضر نیستند مصارف انتخابات را بپردازند ولی در عقب این همه ســناریو برنامه‌های بزرگ نهفته است. اگر دولت یا کشورها تمویل‌کننده می‌خواســتند انتخابات در زمان معین برگزار گردد هم کمیسیون آنرا اصلاح می کردند و هم بودجه به آن اختصاص می‌دادند. رمضان بشردوست نماینده مردم کابل در جلســه عمومی ولسی جرگه گفت که دولت نمی‌خواهد انتخابات را برگزار کند چون نماینده‌های پارلمان با دولت معامله نموده که در بدل رای دادن به ۱۳ وزیر اینان باید در چوکی‌های شان باقی بمانند.

پارلمان مانند دولت فعلی افغانســتان یک مرجع بی‌صلاحیت و مملو از فساد اســت. اعضای مجلس نمایندگان در دوره حکومت کرزی با تلاش‌های فراوان قادر نشدند تا سپنتا، وزیر خارجه را سلب صلاحیت کنند، اینان نتوانستند لوی سارنوال را از وظیفه‌اش سبکدوش کنند و همچنان قادر نشدند زاخیلوال را که بوی فســادش به تمام جهان رســید، از وزارت برکنار کنند. این وکلا به جای نظارت بر کارهای دولت و حل مشــکلات مردم تمــام روز در معامله با دولت مصروف اند که گاه گاهی این معاملات از سوی وزرا بخاطر سفید کردن خود و به بهانه‌ی خدمت به خلق فاش می‌گردد. طوریکه عمر زاخیلوال به تاریخ ۲۳ ثور ۱۳۹۲ در ولســی جرگه گفت: «ظاهر قدیر نماینده ولایت ننگرهار، لالی حمیدزی نماینده ولایت قندهار، عارف رحمانی نماینده ولایت غزنی، محمود خان ســلیمان خیل نماینــده ولایت پکتیا، محمد عظیم محســنی نماینده ولایت

بغلان و سمیع الله صمیم نماینده ولایت فراه، متهم به قاچاق و در معاملات غیرقانونی دست دارند.» او افزود که قدیر در قاچاق آرد، لالی در قاچاق موترهای غیر قانونی و صمیم در قاچاق تیل و شراب دست دارد و دیگران را به درخواست زمین و خانه غیر قانونی متهم کرد. به تعقیب آن مجتبی پتنگ وزیر داخله رژیم کرزی نیز افشا کرد که حدود ۳۰۰۰ عریضه اعضای ولسی جرگه نزد او موجود است که جهت مقرری و تغییر و تبدیل اقارب این وکلا به وی رسیده است.

جالب اینجاست که اکثریت به اصطلاح نماینده‌گان از بیکارگی و فساد و معامله‌گری های همقطاران خود در درون پارلمان ساعت‌ها می‌گویند ولی تا حال یکی از این عالی‌جنابان نه استعفا داده و نه از امتیازات آن که خون جاری کودکان ماست گذشته است تا درسی باشد به سایرین.

در این قسمت برای وضاحت بیشتر نمونه هایی را از زبان آنان ارایه می کنم که تا هنوز با تمام بدگویی‌ها بر چوکی‌های پارلمان لمیده اند:

به تاریخ ۱۹ حمل ۱۳۹۲ حمید لالی گفت: «امروز جای شرم است. امروز نه تنها قوه مقننه خود مایه شرم شد. این قوه به مردم افغانستان فهماند که قوه مقننه ندارند؛ بلکه یک مرجع تجارتی دارند.»

عبدالرحیم ایوبی به تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۱۳ در جلسه عمومی شورا گفت: «خواست من از تمام وکیلان اینست که بیشتر از این به این خانه ظلم نکنید به اندازه ظلم که هم اکنون می کنید دیگر به ما هیچ چیزی باقی نمانده، بیاید دروازه این خانه را بسته کنیم و از نام ملت استفاده نکنیم. بگونه دسته جمعی هم استعفا دهیم و یا بیایید کسانی که بنام ولسی جرگه معامله میکنند افشا کنیم.»

نور اکبری به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۹۲ گفت: «مجلس به سرای شهزاده تبدیل شده است. قوه مقننه به مرکز برای معامله‌گری تبدیل شده است. چهارشنبه عدم قناعت، شنبه قناعت. واقعا همه وکلا با مداخلات شان، با استفاده جویی‌های شان، با پروژه گیری‌های شان، با معاملات سیاسی پشت پرده و با شب نشینی‌ها وضعیت پارلمان را به نقطه‌ای رساندند که مردم می‌گویند لعنت به ما. ما پشیمان هستیم از کسانی که به آنها رأی دادیم.»

رمضان بشردوست نیز به تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۹۲ گفت: «آب به گلو رسیده، دزدان حرفه‌یی، قاچاقبران الکول و مواد مخدر و کسانی که دست به این کار

می زنند، حداقل تعدادی از آن ها را می‌شناسیم. لیست شان هم داده شده، چرا ما این وکلا را از تالار بیرون نمی کنیم»

و صدها مثال دیگری که حتی مفسدترین چهره‌ها اقرار می‌کنند که پارلمان محل تجمع جنایتکاران است و تا به امروز هیچ کاری به مردم نکرده بنا به جای برگزاری انتخابات با هزینه هنگفت بهتر خواهد بود این مبلغ بجای سیر کردن شکم چند جانی جهت دریدن تن مردم، در راه تعلیم و تربیه و صحت و خدمات اجتماعی به مصرف برسد تا اولاد وطن و مردم ستم‌کش از آن بهره‌مند شوند. برگزاری انتخابات پارلمانی افغانستان حدود ۸۰ میلیون دالر هزینه نیاز دارد که قلم عمده آن بازهم به جیب ناظران خارجی و رییس و اعضای کمیسیون انتخابات واریز خواهد شد.

بناً انتخابات پارلمانی برگزار گردد و یا نگردد در وضع اسفبار کشور هیچ تغییری رونما نخواهد شد زیرا انتخابات زیر سایه سیاه اشغالگران و دولت فاسد، جانی‌ترین‌ها را فربه و بجان ملت می‌اندازد و تن توته توته ملت سوگوار را هرگز مداوا نخواهد کرد. پس بقول زنده یاد طرزی:

تا همین مکتب است و این ملا　　　حال طفلان خراب می بینم والا

سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی در برنامه «فراخبر» تلویزیون «طلوع نیوز» (۳۰ جوزا ۱۳۹۴ - ۲۰ جون ۲۰۱۵): «**نبود پارلمان را به بودش ترجیح می‌دهیم.**»



لینک ویدیوی مصاحبه در یوتیوب: youtube.com/watch?v=1U8YBVsXKH4

شماره ۳۳، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

گزارشگر: مریم مروه

صایمه و صادق رفتند، پارلمان‌نشینان بر تخت خود برجا



اول سرطان ۱۳۹۴، ساعت ۱۰:۱۵ صبح هشت انتحاری پارلمان افغانستان را هدف قرار دادند، ولی پارلمان‌نشینان آسیبی ندیده، طبق معمول هموطنان مظلوم ما در سوگ جگرگوشه‌هایشان نشستند. گفته می‌شود انتحارکنندگان از گروه آدمکش و مزدور حقانی و تحت رهبری مستقیم سازمان تروریستر آی. اس.ای دست به این عمل فجیع زده‌اند. جای بسا تاسف در اینجاست که رسانه‌ها به‌جای بازتاب آلام قربانیان اصلی این جنایت، تمام داستان را به قهرمانی کاذب «تق چپه کو» خلاصه کردند و پارلمان‌نشینان معامله‌گر و ضدملی هم هرکدام از اینکه جان سالم بدر برده‌اند آنچنان غرق مستی و بزرگنمایی نیروهای امنیتی و شخصیت‌سازی رییس پارلمان بودند که درد جانکاه شهادت صایمه‌گک هشت ساله کلا به فراموشی سپرده شد. صحنه‌سازی‌ها و قهرمان‌تراشی‌های حاکمان به قصد منحرف ساختن افکار عامه به حدی کارا بود که فریاد جگرخراش خانواده مظلوم صایمه گوش شنوایی نیافت.



مصطفی برادر صایمه که در «شفاخانه استقلال کابل» بستری است.

روز بعد (۲ سرطان ۱۳۹۴)، به دیدار خانواده‌ای رفتم که یکی از اعضای فامیل شان (صایمه، ۸ ساله) را در این حادثه از دست داده‌اند و دو عضو دیگرش (صادق ۴۰ ساله، مامای صایمه؛ مصطفی ۱۰ ساله، برادر صایمه) به شدت زخمی و در شفاخانه استقلال کابل بستری اند. بدبختانه امروز اطلاع یافتم که صادق نیز به جاودانگی پیوست.

غلام‌محمد، پدر صایمه، یگانه نان‌آور خانواده است. او مامور پایین‌رتبه وزارت زراعت با معاش ۶۰۰۰ افغانی می‌باشد. بنابر مشکلات اقتصادی، مدت ۶ ماه می‌شود که در خانه خسرش در قلعه افغانان زندگی می کند. وی می گوید:

«قبل از این که اشرف غنی به ریاست جمهوری برسد، ۸۰۰۰ افغانی معاش داشتم، اما همین که او به قدرت رسید، معاشم به ۶۰۰۰ افغانی کاهش یافت. بناً مجبور شدم در زیرزمینی خانه خسرم به زندگی فقیرانه خود ادامه دهم.»

او با گلوی پر از بغض ادامه می‌دهد:

«اشرف غنی در کمپاین انتخاباتی‌اش گفته بود که در دسترخوان فقیران تغییر می‌آورد. واقعا به وعده‌اش وفا کرد! و یک نان دسترخوان مان را به نصف نان بدل کرد.»

صایمه، دختر غلام‌محمد متعلم صنف دوم مکتب رخشانه بود که در حادثه المناک اخیر جانش را از دست داد. صایمه هشت سال داشت و هنوز غرق بازی‌های طفلانه، از دنیای پر کشمکش و خونریز چیزی نمی‌دانست. مصطفی، برادر صایمه، نیز در این حادثه یک گرده‌اش را از دست داده و چندین چره به پاهایش اصابت کرده‌است. مامای صایمه، صادق که زخم شدید برداشته و بدنش سوخته بود، پس از تحمل چهار روز درد طاقت‌فرسا جان باخت.

پدر شهید صایمه می‌گوید:

«با آنکه فرزندانم و مامای شان قربانی اعضای پارلمان شدند، تنها دو وکیل برای تسلیت‌گفتن به خانه مان آمدند و بس. هیچ‌کس از حال ما خبر ندارد، ما مردم فقیر سال‌هاست که قربانی پشت قربانی می‌دهیم، بار بار به ماتم می‌نشینیم، اما این دولت از اشک و خون فرزندان این ملت اندکی شرم نمی‌کند. اگر گاهی هم به کلبه‌های غریبانه مان می‌آیند، هدف شان انعکاس رسانه‌ای و خاک‌زدن به چشم مردم است، نه کمک.»



صایمه‌ی هشت ساله، دختر غلام‌محمد متعلم صنف دوم مکتب رخشانه بود که در حمله انتحاری پارلمان افغانستان جانش را از دست داد.

وی در ادامه می‌گوید:

«حیف رای که ما به شما دادیم. برای هر دوی تان ع و غ، حیف ما ملت که رای دادیم!»

صادق که هنوز جان نباخته بود، برایم گفت:

«در روز حادثه دنبال خواهرزاده‌هایم به مکتب رفته بودم و در حمله برابر شدم.»

وی که بیشتر بدنش سوخته، در اتاقی یکجا با ده مریض دیگر به‌سر می‌برد. تمام مریضان این بخش، از گرمی هوا و خرابی هواکش‌های اتاق شکایت داشتند. یکی از مریضان این شفاخانه درحالی‌که وضعیتش وخیم به نظر می‌رسید، برایم گفت که مدت یک ساعت می‌شود که سیروم‌اش بندش پیدا کرده، اما باوجودی که از سوی پایواز مریض به نوکریوال احوال داده شده، همه بی‌پروا اند.

موسی، پدرکلان صایمه می‌گوید:

«امریکا و دیگر کشورهای که افغانستان را اشغال کرده‌اند،



صادق مامای صایمه که در «شفاخانه استقلال کابل» بستری بود و به تاریخ ۴ سرطان ۱۳۹۴ جان سپرد.

می‌گویند که ما برای تان صلح و امنیت آورده‌ایم. اما کجاست امنیت؟ کجاست صلح؟ اینان نه تنها که صلح و امنیت نیاوردند بلکه بدبختی، سیهروزی و خونریزی را به مردم ما تحفه آوردند. مردم ما هر روز درگیر انتحار و انفجار اند. از روزی که اینان به قدرت رسیدند، هم جان مردم را گرفتند و هم نان مردم را. باید مردم علیه این همه بدبختی‌ها و بی‌عدالتی‌ها به پا خیزند. از این که هر روز قربانی می‌دهیم و خاموش نشستیم، بهتر است یا یکبار بمیریم و یا این که امریکای کثیف را همراه با نوکرانش از افغانستان عزیز بیرون کنیم.»

عیسی، برادر بزرگتر صادق می‌گوید:

«در آن روز، مردم در آتش و دود می‌سوختند، در خون غرق بودند، ولی هیچ‌نوع کمک و امبولانس برای انتقال زخمیان وجود نداشت، تا این که خود مان به کمک شان رفتیم و با تکسی زخمی‌های خود را به شفاخانه انتقال دادیم»

نادیه، مادر سوگوار شهید صایمه که پایواز پسر زخمی‌اش نیز بود، با چشمان پراشک و گلوی بغض‌آلود برایم می‌گوید:

«دخترک ما زیاد لایق بود و بسیار شوق مکتب‌رفتن و درس‌خواندن را داشت. صایمه‌گک هرگز غیرحاضری نمی‌کرد و بسیار دختر منظم و باهوش بود.»

«طالب! اگر دشمن مردم بی‌گناه نیستی، می‌رفتی خود را در داخل پارلمان منفجر می‌کردی و ۲۴۹ وکیل پول‌دوست را از بین می‌بردی، نه اولاد مظلوم ما را.»

اعضای این خانواده ماتمدار، یکصدا سخنان شان را چنین پایان می‌دهند:

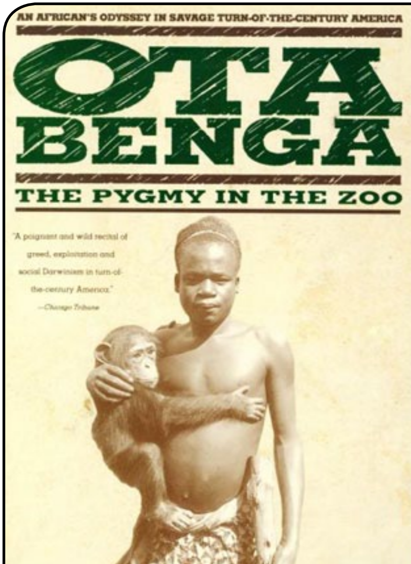
«ما هیچ‌نوع خواستی از دولت فعلی نداریم. از کدام دولت؟ کشوری که رییس‌جمهورش توسط امریکا انتخاب می‌شود و از رییس‌جمهوری که به خواست امریکا کار می‌کند، چه خواستی داشته باشیم؟ خواست همه مردم آوردن صلح و امنیت و یک لقمه نان است که این دولت توان آن را ندارد.»

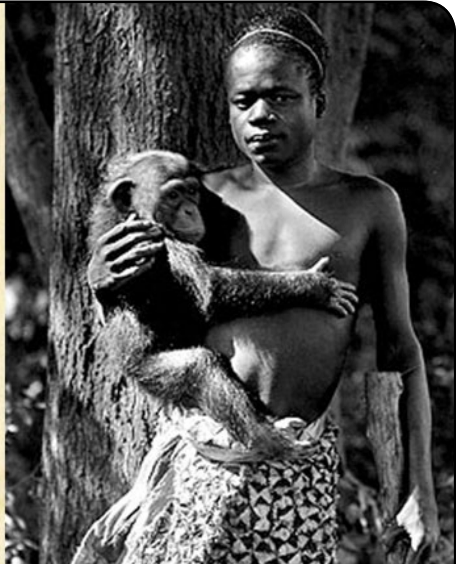


پدر صایمه و اعضای «حزب همبستگی» در کنار مصطفی (برادر شهید صایمه) که در «شفاخانه استقلال کابل» بستری است.



دیدار اعضای «حزب همبستگی» با صادق که شدیدا زخمی و در «شفاخانه استقلال کابل» بستری بود. متاسفانه وی به تاریخ ۴ سرطان ۱۳۹۴ جان سپرد.





قفس یک سیاه‌پوست در باغ‌وحش امریکا

به تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۰۶ روزنامه «نیویارک‌تایمز» در گزارشی خبر داد که یک افریقایی قدکوتاه در باغ‌وحش نیویارک در پنجره میمون‌ها به نمایش گذاشته شده است. اسمش اوتابنگا و از کشور کانگو (در آن زمان به نام ایالت آزادشده کانگو شهرت داشت) می‌باشد. دولت امریکا که از سیاه‌پوستان نفرت داشت به شیوه‌های مختلف آنان را توهین و تحقیر می‌نمود و به صورت فجیع آنان را به قتل می‌رساند. قبل از نشر گزارش، صدها سفید پوست به دیدن این مرد قدکوتاه آمده بودند ولی پس از نشر گزارش ۲۲۰۰۰۰ نفر پیر و جوان و طفل به تماشای اوتابنگا آمدند. در این میان کسانی بر او می‌خندیدند و افرادی هم از این نمایش ناخرسند بودند.

چون تعداد بازدیدکنندگان روز به روز بیشتر می‌شد مسئولان باغ‌وحش اوتابنگا را به یک قفس بزرگ انتقال دادند تا در معرض دید مردم بیشتری قرار گیرد. در لوح معرفی اوتابنگا چنین نوشته شده بود:

افریقایی قدکوتا، اوتابنگا
عمر: ۲۳ سال
قد: ۴ فت و ۱۱ انچ
وزن: ۱۰۳ پوند
توسط داکتر ساموئل پ. وارنر از ایالت کانگو آورده شده
اوقات نمایش: در طول ماه سپتامبر هر روز بعد از چاشت

با آنکه تعدادی از سازمان‌های حقوق بشر با نمایش انسان در پنجره‌های شادی واکنش نشان دادند ولی باآن هم مسئولان باغ‌وحش نیویارک این نمایش را تا پایان ماه سپتامبر ادامه دادند.

زندگی بعدی اوتابنگا نیز مملو از تراژدی بود تا اینکه در سال ۱۹۱۶ دست به خودکشی زد.

چارلي چاپلین

د چارلي چاپلین تل‌پاتې وینا، پر ننني نازیانو نیوکه



ښایي ډېر لږ داسې خلک پیدا شي چې د سینما دغه نابغه نوم یې نه وي اوریدلی. سِر چارلز اسپنسر چاپلین د ۱۸۸۹ کال د اپریل په ۱۶ مه نیټه دې نړۍ ته سترګې پرانستې. چارلي د خپلې دورې له نامتو ډایرکټرانو او لوبغاړو او آهنګ جوړونکو څخه وو. دغه هنرمند د طنز په ژبه د نړۍ بدمرغۍ ځپلې او له ستم څخه پاک نړۍ چې له سولې او عدالت څخه ډکه وي ننداري ته وړاندې کوله. د شلمې پېړۍ دغه ستر هنرمند څخه د خپل ژوند په اوږدو کې ددې لپاره چې له پانګوالي رژیم او جګړې او فاشیزم سره یې کینه لرله، درناوی ونشو. لاسوندونه په ډاګه کوي چې هغه تل د امریکا او انګلستان څارګرو ادارو تر څار لاندې وو او هغوی هڅه کوله ترڅو د «کمونیست» په نوم پر هغه بندیز وضع کړي.

«ستر دیکتاتور» د چارلي لومړنی غږیز او مشهور سیاسي فلم دی چې په څرګنده توګه کولای شو په هغې کې ددغه هنرمند ستره انساني مینه په

ډاګـه وګـورو. دغه فلم د هتلـري توکمپالنه پر وړاندې سـتر رول ولوباوه. پر دغـه فلم پـه کال ۱۹۳۷، کله چې ټولـو خلکو نازیزم یو ګـوابښ ګاڼه کار پیل شو. د خپریدو پر مهال، هتلر په آلمان او ټولو هغو هیوادنو کې چې د نازیانو تـر واکمنـۍ لاندی وو دغه فلم پر کتلو بندیز ولـګاوه، د چارلي پر وړاندی یې تبلیغات پیل کړل او په هغه نوملړ کې یې شامل کړو چې باید ووژل شي.

کلـه چې پـر دغه فلم کار پیل شـو، چارلی هـره ورځ د هتلـر ځناورتوب خبرونـه اورید، ولی پر فرانسـې برید ددی لامل شـوه چـې د فلم پای بدلون ومومی او په هغې کی خپله تل‌پاتې وینا زیاته کړي. په دغې وینا کی نه یوازی فاشـیزم تـر نظر لانـدی وو بلکه یوه وینـا وه چې په هغې کی سـوله، ټولنیز عدالت انسانیت تر سترګو کیده.

د چارلـی دغـې اغیزمنې وینـا نن یواری بیا چی نړۍ د امریکایی فاشـیزم خولې ته لویدلی ده خپله ریښتینولی ثابته کړه، پوره متن یی دلته راوړو:

«زه پښـیمانه یـم، ولی نه غواړم واکمن شـم؛ دا زمـا کار ندی. زه نه غواړم پر چا امر وکړم او یا کوم ځای فتح کړم. که امکان ولری زه خوښ لرم چی ټولو سـره مرسـته وکړم، یهودی، بی‌دینه، تور، سپین. مونږ ټول غواړو له یوبل سره مرسته وکړو؛ د بشر فطرت همدا دی.

مونږ ټول غواړو چې د یو بل په خوښـۍ کی ژوند وکړو نه د یو بل په درد او بدمرغۍ کی. مونږ نه غواړو چی له یو بل سره کرکه ولرو او یو بل سـپک کړو. پدی نړۍ کی ټولو لپاره خونې شـته او ځمکه شـتمنه ده او کولای شي ټولو ته خواړه تیار کړي.

د ژوندانه چاری کولای شـی چی آزادې او ښـکلی اوسـی. ولی مونږ لاره ورکه کړې. حرص او وړسترګ‌توب د بشر روح مسموم کړی، نړۍ یـی لـه کینې ډکه کړی، مونږ یی په بدمرغـۍ او وینو کی ډوب کړی یو. مونـږ تیزوالی ډیـر کړی ولی ځانونه مـو بندیان کړي. ماشـینونو او ډیر تولیـد زمونږ اړتیاوی لا ډیرې کړي. علـم مونږ بدګمانه کړی یو، زمونږ هوش زیات نامهربانه شـوی. مونږ ډیر سـوچ کوو او لږ احساس. مونږ له ماشـینونو څخه زیات انسـانانو ته اړتیا لرو او له هوش څخه مهربانی او نرم‌والی ته. له دی پرته ژوند بدرنګه کیږی او هرڅه له لاسه ورکو.

الوتکو او راډیو مونږ له یوبل سره نږدی کړی یو. دغه نوښتونه د بشریت

ګټو لپاره چیغې وهی، نړۍ زمونږ یووالی لپاره چیغې وهي. آن همدا اوس زما غږ د نړۍ میلیونونو خلکو غوږونو ته رسیږی، د هغو میلیونونو ناهیلو سړیو، ښځو او ماشومانو غوږو ته چی د هغه سیستم قربانیان دی چی بی ګناه خلک بندخونو ته غورځوي. هغو خلکو ته چی زما غږ اوری وایم چی «ناهیلی نشی». دغه کړاو چی اوس زمونږ په منځ کی دی د هغو خلکو حرص دی چی د انسانانو پرمختګ، هغوی ویروي. د انسان کینه تیریږی او واکمنان مري او هغه واک یی چی له خلکو اخیستی بیرته خلکو ته ستنیږی او تر هغې چی انسانان مري آزادي له منځه نه ځي.



سرتیرو: ځانونه د هغو ځناورخویه کسانو منګولو ته مه سپارۍ چی تاسو ته سپکاوی کوی، هغه انسانان چی تاسو بندی کوی، هغه خلک چی ستاسو ژوند کنترولوی، تاسو ته وای چی کوم کار وکړی، څه شی وځښکی، څرنګه کښینی او څرنګه احساس ولری؛ هغه خلک چی تاسو ته د خوړو رژیم درکوی، تاسو سر د غوا په څیر رفتار کوی او له تاسو څخه د توپ د ګولۍ په څیر ګټه پورته کوي. ځانونه د غیرطبیعی انسانانو منګولو ته مه سپارۍ، ماشینی انسانان له ماشینی ذهن او ماشینی زړه سره! تاسو ماشین نه یاست! تاسو غوا نه

یاست! تاسو انسانان یاست! ستاسو په زړونو کې له انسانانو سره مینه ده. تاسو کینه نلرئ؛ یوازې بې مینې خلک کینه لري، بې مینې او غیر طبیعي.

سرتیرو: مریتوب لپاره مبارزه مه کوئ! آزادۍ لپاره وجنګیږئ! د سنت لوک په اوولسم څپر کې لیکل شوي «د خدای حاکمیت د خلکو په منځ کې دی» نه یو د انسان نه یو ډله انسانان بلکه ټول انسانان، په تاسو کې، تاسو چې توان لرئ؛ توان لرئ چې ماشین جوړ کړئ، توان لرئ چې خوښۍ منځ ته راوړئ. تاسو چې توان لرئ ترڅو ژوند آزاد او ښکلی کړئ ترڅو دا ژوندون له ښکلاو ډک کړئ.

د دموکراسۍ په نامه، اجازه راکړئ ترڅو له هغې ګټه پورته کړو! یو موټی شو. یو موټی! یوې نوې نړۍ لپاره مبارزه وکړو، یوه داسې نړۍ چې ټولو انسانانو ته اجازه ورکړي چې کار وکړي ترڅو ستاسو راتلونکي امنیت خوندي کړي. په دغو ژمنو سره، دښمنان واک ته رسیږي ولې هغوی درواغ وای. هغوی په خپلو ژمنو عمل نه کوي او هیڅ کله به یې هم ونکړي. واکمنان خپل ځان ته آزادي غواړي ولې خلک برده کوي. اوس، د هغو ژمنو پوره کولو لپاره مبارزه کوو! د نړۍ آزادولو لپاره، د خنډونو لرې کولو لپاره، د حرص او وړسترګتوب لرې کولو لپاره، کینې او بدمرغیو د منځه وړلو لپاره مبارزه کوو. د یو منطقي نړۍ، داسې نړۍ چې پوهه او پرمختګ د انسانانو د خوښۍ لپاره وي مبارزه کوو.

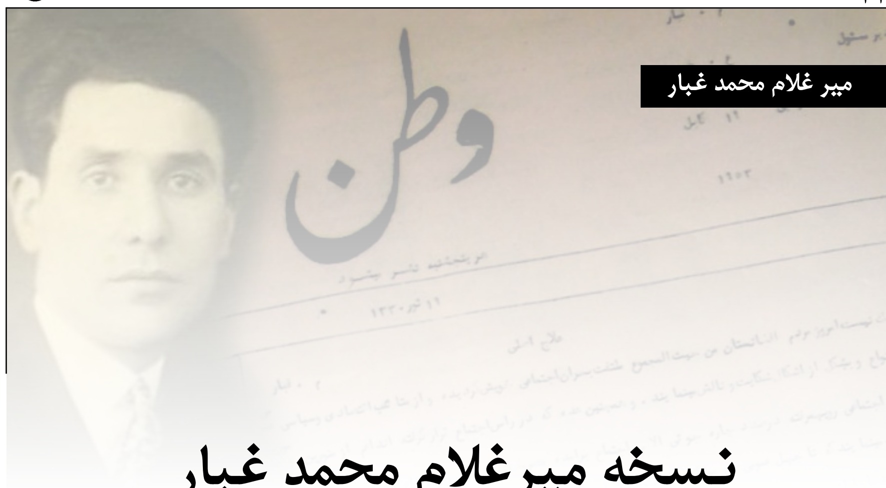
سرتیرو: د دموکراسۍ په نامه یو موټي شي.

هانا، زما غږ آورې؟

هانا هر چیرې چې یې راوګوره: وریځې په حرکت شوې؛ لمر ځلیږي. مونږ له تیرې د روښنایی لورې ته ځو. مونږ د نوې نړۍ ته په لوري روان یو. مهربانه نړۍ، چیرې چې انسانان له کینې، حرص او ځناورتوب څخه ډیر پورته ژوند کوي.

هانا راوګوره: د انسان روح وزر پیدا کړي او بالاخره اولوتل یې پیل کړي. د بوډۍ ټال په لورې الوزي؛ د هیلو روښنایی په لورې، د راتلونکې په لور، یو روښانه راتلونکې چې تا پورې، ما پورې او ټولو پورې تړاو لرې الوزي. هانا راوګوره، هانا راوګوه.»

شماره ۳۲، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵



نسخه میرغلام محمد غبار برای علاج دردهای ملت



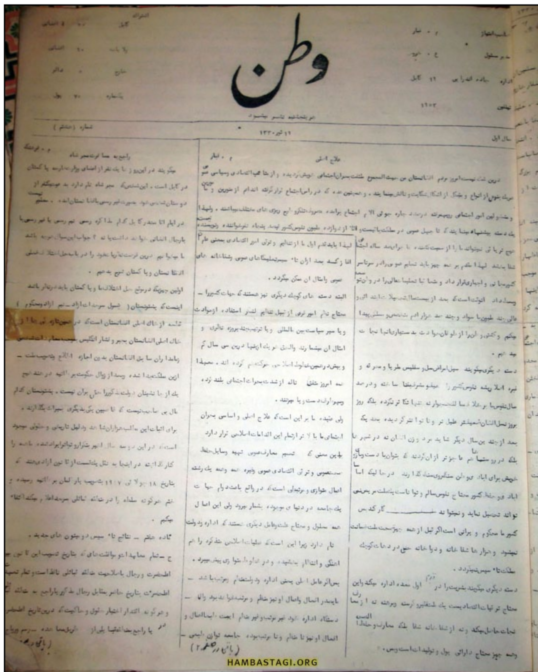
زنده‌یاد میرغلام محمد غبار، روشنفکر مبارز و تاریخ‌نگار شرافتمند کشور ما، ۶۴ سال قبل از امروز، وضعیت اجتماعی آنزمان مملکت را به تحلیل گرفته برای علاج دردهایش نسخه‌ای صادر کرده است. نسخه‌ای که امروز شدیدتر از گذشته ملت ما نیازمند آنست. اما اگر آنزمان غبار از اعضای پارلمان چشمداشت پاسداری از قانون را داشت، امروز پارلمان نیز به حدی گندیده و مافیایی است که چنین انتظاری از آن خودفریبی‌ای بیش نیست. امروز این وظیفه مبرم بر دوش تمامی عناصر و نیروهای ملی و عدالت‌خواه سنگینی می کند که با مبارزه و جانفشانی شان برای رویکار آمدن یک جامعه آزاد و قانونمند تلاش نمایند.

شماره ۳۳، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

علاج اصلی

منبع: هفته‌نامه «وطن»، شماره هشتم، ۱۹ ثور ۱۳۳۰

نویسنده: میرغلام محمد غبار



وطن

سال اول

۱۹ ثور ۱۳۳۰

شماره (هشتم)

علاج اصلی

درین شک نیست امروز مردم افغانستان من حیث‌المجموع ملتفت بحران اجتماعی خویش گردیده و از متاعب اقتصادی و سیاسی عمومی هر یک بنوعی از انواع و بشکل از اشکال شکایت و نالش مینمایند. و همچنین عده که در راس اجتماع قرار گرفته‌اند اعم از منورین و مامورین و مسئولین امور اجتماعی رویهمرفته در صدد چاره‌جوئی الام اجتماعی برآمده مصروف تفکر و طرح‌ریزی‌های مختلف میباشند. و لهذا یک دسته پیشنهاد مینمایند تا جهل عمومی در مملکت باقیست و اقلا از دوازده ملیون نفوس کشور فیصد پنجاه نفر خواننده و نویسنده نیست هیچ تریاقی نمیتواند ما را از سمیت کشنده ماجرای صد ساله اجتماعی شفا بخشد لهذا مقدم بر همه چیز تعلیم عمومی را در سرتاسر کشور مجانی و اجباری قرار داد و متعاقبا تعلیمات عالی را در وطن توسعه و بسط داد آن وقت است که بعد از بیست سال تحصیلات ابتدائی و عالی چند ملیون باسواد و چند هزار آدم متخصص و مسلکی پیدا میکنیم و کشتی وطن را از طوفان حوادث بدستیاری آنها نجات میدهیم.

دســته دیگری میگویند سیل امراض سل و ســفلیس ملریا و محرقه و غیره اصلا ریشه نفوس کشور را ضعیف و مشرف به فنا ساخته و در صد سال نفوس مــا بر خلاف ممالک همجــوار نه تنها تکاثر نکرده بلکه روز بروز نســل افغان ضعیف‌تر علیل‌تر و ناتوان‌تر گردیده بحدیکه بعد از چندین ســال دیگر شــاید مرد و زن افغان نه در شهرها بلکه روستاها هم عاجزتر از آن گردند که بتوان با دســت و بازوی خویش برای آبادی وطن سنگ روی سنگ گذارند در حالیکه اساســا آبادی و حفظ کشور محتاج نفوس ســالم و تواناست یک ملت مریض نمیتواند تحصیل نماید و نمیتواند کار کند پس کشــور ما محکوم ویرانی است اگر قبل از همه چیز صحت ملت ضمانت نمیشــود و هزارها شفاخانه و دواخانه حتی در دهات کوچک مملکت تأسیس نمیگردد.

بدون قانون و تطبیق مراقبت قانون هــر اداره و حکومتی که باشــد محکوم به انارشی و هرج و مرج و لهذا ســقوط است.

دســته دیگری میگویند بشریت را در قــدم اول معــده اداره میکند و این محتاج ترقیات اقتصادیســت یــک ملت فقیر و گرســنه و برهنه نه از معارف نجــات حاصل میکند و نه شــفاخانه شــفا بلکه معارف و حفظ‌الصحــه و همــه چیــز محتاج دارایــی پول و تولیدات اســت و بس. لهذا باید قدم اول مــا از تنظیم و ترقی امور اقتصادی بمعنی عام آن آغاز کند بعد از آن تاســیس تعلیمگاهای عمومی و شفاخانه‌های عمومی و امثال آن ممکن میگردد.

البته دســته‌های کوچک دیگری نیز هســتند که حیات کشور را محتاج نظم امور فرعی از قبیل تنظیم لشکر استفاده از حوادث و یا سیر سیاست بین‌المللی و یــا ترتیب چند پــروژه نظری و امثال آن میشــمارند و الحق هر یک ازین‌ها درین سی سال کم و بیش در همین خطوط اصلاحی حرکت هم کرده‌اند. معهذا همه امروز متفق ناله از شــدت بحران اجتماعی بلند کرده و بهر طرف دست و پا میزنند.

ولی عقیده ما بر این است که علاج اصلی و اساسی بحران اجتماعی ما بالاتر از تمام این اقدامــات اصلاحی قرار دارد بدین معنی که تعمیم معارف عمومی تهیه وســایل حفظ صحت عمومی و ترقی اقتصادی عمومی و غیره همه و همه یک رشــته اعمال متوازی و مرتبطی اســت که در واقع باعث دوام حیات یک

جامعه در دنیای موجوده بشمار میرود ولی این اعمال همه معلول و محتاج علت و عامل دیگری هستند که از اداره و دولت نام دارد زیرا این است که عملیات اصلاحی متذکره را هم‌آهنگی و انتظام بخشیده و در خطوط متوازی پیش میبرد.

پس اگر عامل اصلی یعنی اداره و دولت منظم و مرتب باشد مایصدر افعال و اعمال او نیز منظم و مرتب خواهند بود و الا دستگاه اداره غیرمرتب و غیرمنظم است طبعا اعمال و افعال او نیز نامنظم و نامرتب بوده و جامعه توازن طبیعی خود را از دست میدهد و در گرداب بحران‌های اجتماعی غوطه‌ور میگردد. اما نظم و ترتیب اداره زائیده چه علتی است؟ یک چیز! و آن داشتن قانون و تطبیق قانون است و بس.

ما با آنکه رسما یک قسمت قوانین داریم ولی چون این قانون مراقبت نمیشود پس تطبیق نمیگردد و همه در حکم معدوم است اینست که اعمال اصلاحی کشور همه عقیم میماند.

فقط قانون است وظائف را تقسیم، مسئولیت را تعین و حدود فعالیت و صلاحیت را تشکیل میکند. بدون قانون و تطبیق مراقبت قانون هر اداره و حکومتی که باشد محکوم به انارشی و هرج و مرج و لهذا سقوط است. ملل مغرب‌زمین تنها و تنها در سایه قوانین است که ممالک خود را مترقی ساخته و حتی صدها سال مستعمرات خود را اداره کردند. هیچ آدم تصور کرده نمیتواند که یک حکومت بی‌قانون در دنیا میتواند به زندگی خود ادامه بدهد. میتوان گفت اگر قانون را فی‌المثل از امریکا بردارند بعد از یک ماه دستگاه اداری او مثل افغانستان شده و از بین خواهد رفت.

پس باید قبول کرد اگر سی سال دیگر افغانستان دست و پا کند و اگر کل رجال مملکت جان‌نثاری کند و اگر کل بودجه مملکت را وقف ترقی معارف یا حفظ‌الصحه و یا اقتصاد عمومی نمایند با وضع مملکت‌داری بی‌قانون و مطلق‌العنانی ابداً نمیتوانند در هیچ کدام رشته اصلاحات کامیاب گردند. زیرا این اصلاحات به واسطه عمال اداری عملی میگردد و در جائیکه قانون صلاحیت و وظیفه و مسئولیت را تعین نکرده باشد هیچ عامل عاقلی نمیتواند از انارشی و هرج و مرج امور برایند.

ما با آنکه رسما یک قسمت قوانین داریم ولی چون این قانون مراقبت نمیشود پس تطبیق نمیگردد و همه در حکم معدوم است اینست که اعمال اصلاحی کشور همه عقیم میماند.

امروز وظیفه نخستین اصلاح‌طلبان مملکت سعی در به وجود آوردن قوانین، تطبیق قوانین، مراقبت قوانین و مجازات متخلفین قوانین است.

علاج اصلی و اساسی این است که بعد ازین مجلس مقننه مراقب تطبیق تمام قوانین موجوده بوده، و هیئت مجریه در صورت تخلف مسئول مجلس قانون‌گذار باشند آنوقت است که هیچ مامور و امر و رئیس و وزیر حاکم و محکوم قادر نمیشوند که بدون حکم قانون آب بخورند، و اگر خوردند به محاکمه سپرده خواهند شد و اخلاف آنها عبرت خواهند گرفت. مجلس شورای ملی البته میتوانند بر علاوه مراقبت تطبیق قوانین موجوده برای وضع قوانین جدید محتاج‌الیه مملکت اتصالاً زحمت کشیده صدها قانون به میان آرند و اداره کشور را از این بی‌نظمی خطرناک رهائی بخشند تا جائیکه ما اطلاع داریم در دو سال گذشته یک عده از وکلای ملت به ریاست شورا پیشنهاد تحریری داده‌اند که کدام کدام قانون‌های موجوده تجدید و یا تعدیل شوند و کدام کدام قانون‌های جدید وضع گردد ولی هنوز معلوم نیست که ریاست شورای ملی در این باره چه اقدامی کرده است؟ در هر حال باید متیقن بود که امروز وظیفه نخستین اصلاح‌طلبان مملکت سعی در به وجود آوردن قوانین، تطبیق قوانین، مراقبت قوانین و مجازات متخلفین قوانین است. در غیر اینصورت تمام مساعی و زحمات ملت و دولت بیهوده خواهد بود.

نوت: متن بالا عینا و بدون کوچکترین تغییری از منبع اصلی بازتایپ شده است.

تریاق = معرب تریاک و آن دوایی مرکب است معروف، که چند ادویه را کوفته و بیخته در شهد آمیزند و آن دافع اقسام زهرهای نباتی و حیوانی باشد.

متاعب = جمع تعب، رنجها و ماندگی‌ها

اعلامیه

اعتصاب معلمان را به جنبش سراسری بدل کنیم!



چند روزیست که معلمان به‌جان رسیده افغانستان با شعارهای «معلمین بی‌بضاعت و وعده‌های دروغین دولت»، «معلم نان ندارد، معلم مسکن ندارد، معلم قرضدار است» و... به نشانه اعتراض در ۱۹ ولایت کشور به اعتصاب ایستاده اند اما طبق معمول گوش دولت کر است و این خروش را نادیده گرفته اند.

در سرزمین ما باوجود نقش بس برازنده، معلم از اقشار محروم و محکوم جامعه می‌باشد که با رد و بدل شدن رژیم های دست‌نشانده و فاسد، جز سیه‌روزی و فقر و فلاکت آسایش زندگی را هرگز نچشیده اند. اکنون معلمان نه برای احراز کرسی وکالت و وزارت چانه می‌زنند و نه توقع بسیار بالایی از دولت فاسد فعلی دارند. می گویند، غنی و عبدالله که سرانجام به دستور جان کیری بر گرد دسترخوان دولت وحشت ملی زانو زدند، در دوران انتخابات وعده دادند که طی ۶ ماه نخست حکمرانی شان برای هر معلم یک نمره

زمین، افزایش معاش و کاهش ساعات درسی را اجرا می‌سازند، ولی تا کنون کوچکترین توجهی به بهبود وضعیت معلمان نشده بنا اینبار آنان با ایستادگی مدنی، می‌خواهند حق شانرا به دست آورند.

حرکت و خواست معلمان با تمام جهات ضعیفش در اوضاع کنونی که خمود و جمود در برابر وطن‌فروشی و جنایات هولناک حکم فرماست، گامی است به جلو. آموزگاران شرافتمند باید بدانند که رژیم های فاسد و ضدمردم را فقط با جنبش های وسیع می‌توان به تسلیم واداشت. متاسفانه اعتصاب معلمان هنوز آنچنانی که لازم است فراگیر نشده است بنا ما تمامی معلمان کشور را دعوت می‌کنیم که به این اعتصاب پیوسته حق شانرا نه به تضرع و گدایی بلکه با وارد کردن فشار از ستمکاران حاکم بگیرند.



۱۸ جوزا ۱۳۹۴: دیدار سیلی غفار سخنگوی «حزب همبستگی افغانستان» با جمعی از معلمان معترض

ارگ‌نشینانی که ادامه حیات شان را در بیسواد و ناآگاه ماندن ملت می‌بینند، هیچ‌گاهی برای گسترش شایسته تعلیم و تربیت در جامعه کاری انجام نخواهند داد. وزارت معارف و دولت معمولاً کمبود بودجه را دلیلی برای عدم ازدیاد معاش معلمان عنوان می‌کنند، اما اگر ارگ‌نشینان بیگانه‌پرست و فاسد کوچکترین حس ملی می‌داشتند، فقط با دستگیری و ضبط سرمایه حرام چند تن از شاه‌مهره های فساد و غارتگری در کشور که میلیاردها دالر را به جیب زده اند، می‌شد نه تنها معاش معلم و کارگر و معیوب و مامور را ارتقا داد بلکه پول کافی برای تغییر پایه‌ای در وضعیت اسفبار معارف به دست می‌آمد. اما نه‌تنها پولهای ملت از حلقوم این خاینان بیرون نمی‌شود بلکه هر روز بر کاروان دزدان فاسد افزون گردیده و بر پست‌های درجه یک دولت وحشت ملی نصب

می‌شوند و یا در لشکر مشاوران علاوه می‌گردند تا معاش‌های مفت دالری و امکانات شاهانه به جیب این طایفه انگلی واریز شود.

معلمان عزیز ما که به‌مثابه کلید معارف نقش حیاتی را در آگاهی‌دهی جامعه بازی می‌کنند، باید بدانندکه رژیم ضدمردمی و پوشالی فعلی تا تشنک در فساد، بیکارگی و خونریزی غرق است، حالا رندانه در صدد خنثی سازی اعتراضات مدنی شان با مانورهای نرم‌گونه است و یا شاید با پذیرش گوشه‌های ناچیز از این خواست‌ها باعث خاموش کردن آواز شان گردند. بنا نباید بیشتر از این فریب وعده‌های میان‌تهی و دروغ‌پراکنی چند سر جنایتکار لمیده بر کرسی‌های قدرت را خورد و دزه‌ای عقب‌نشینی کرد. آموزگاران ستم‌دیده ما باید با زدودن عناصر معامله‌گر از صفوف خویش، تا رسیدن به خواست‌های اساسی شان به مبارزه ادامه دهند.

«حزب همبستگی افغانستان» که همیشه در کنار ستم‌کشان جامعه ایستاده است، از خواسته های برحق معلمان آگاه کشور با تمام وجود حمایت نموده، صمیمانه پیشنهاد می‌نماید تا سایر اقشار دردیده نیز با آنان یکدست شده، این حرکت را به یک جنبش همگانی ضد جنایتکاران حاکم و اربابان خارجی شان بدل سازیم که عامل اصلی نگونبختی‌های مردم ما اند.

حزب همبستگی افغانستان

۱۹جوزا ۱۳۹۴ (۹ جون ۲۰۱۵)



شماره ۳۳، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵



امریکا باز سلاح هستوی آزمایش کرد

رسـانه‌ها خبر دادند که «اداره ملی امنیت هســته‌ای امریکا» و نیروی هوایی این کشور روز اول جولای ۲۰۱۵ بمب هسته‌ای B61-12 را در صحرای نوادا مورد آزمایش قرار داده اند. این بمب گفته می‌شود که نمونه ارتقایافته بمبی است که در سال ۱۹۶۳ امریکا آنرا ساخت و پیشرفته‌ترین نوع سلاح‌های هستوی آن کشور به شمار می‌رود. بمبی که تازه آزمایش شده از تکنولوژی جدید و قدرت تخریب بیشـتر برخوردار اسـت. دولت امریکا یازده میلیـارد دالر صرف این پروژه کرده است.

به گزارش «اسپوتنیک نیوز» (۱۰ جولای ۲۰۱۵)، آناتولی آنتونوف، معاون وزیر دفاع روسیه ایـن آزمایش را اقدامی تحریم‌آمیز توصیف کرده گفت: «بمب هسـته‌ای B61-12 که در نوادا مورد آزمایش قرار گرفته، بمبی دو منظوره است که می‌تواند به عنوان عنصر تسلیحات تهاجمی اسـتراتژیک در بمب‌افکن های سنگین و به عنوان سلاح هسته‌ای غیراستراتژیک در طیاره‌های تاکتیکی مورد استفاده قرار گیرد.»

آنتونوف ادامه داد: «آزمایش کنونی با اسـتفاده از بمب‌افکن های ف۱۶- انجام شـده است. این اقدام موجب می شـود تا احتمال استفاده از بمب هسته‌ای در بمب‌افکن های ناتویی مستقر در اروپا به یک گزینه قابل تصور تبدیل شود.»

معاون وزیر دفاع روسیه افزود: «آزمایش انجام‌شده توسط امریکا اقدامی غیرمسئولانه است که کاملا مغایر با اظهارات واشنگتن در باره خلع سلاح هسته‌ای است.»

امریکا در حالی که خود را پولیس جهانی قلمداد کرده کشورهای دیگر را به خاطر داشتن یا تلاش برای دستیابی به بمب هسته‌ای مجازات می‌کند، اما خود پیاپی به سلاح‌های کشنده‌تر و پیشرفته‌ترکشتار جمعی مسلح گشته جهان را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

شماره ۳۳، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

گزارشگر: هیله نوری

مادر شهید احمدالله: «روشنی آینده‌ام را در چهره‌ی معصوم پسرکم می‌دیدم»



به تاریخ ۹ حمل ۱۳۹۴، شش شام حمله انتحاری خوک‌های طالبی در سرک اول شاه‌شهید شهر کابل هموطنان مظلوم ما را بار دگر به غم نشاند. گفته می‌شود هدف انتحاری گل پاچا مجیدی وکیل پارلمان بود که جان سالم بدر برد اما مظلوم‌ترین‌ها به کام مرگ رفتند از آن جمله دو طفل به نام های محمد فیصل و احمدالله قربانیانی بودند که زندگی آنان سراپا با رنج و غم گره خورده بود.

شهید محمد فیصل و پسر عمه‌اش شهید احمدالله در کنار مکتب، هر دو دستیاران یک دواخانه بودند تا با اندک مزد خانواده‌ی فقیر شان را یاری دهند. اما وحوش طالبی ضربه‌ی کوبنده بر جسم زخمی این خانواده مظلوم وارد کردند. احمدالله سیزده ساله را در همانجا شهید و محمد فیصل پانزده ساله را شدیدا زخمی نمودند. اشرف غنی برای عیادت مجیدی به شفاخانه می‌آید و به این دلیل تمامی جاده‌های منتهی به شفاخانه مسدود می‌گردند، خانواده فیصل نمی‌تواند از این سدها گذشته به جگرگوشه زخمی خود خون برساند و بالاخره

او از خونریزی شدید جان می‌دهد.



پدر شهید فیصل و مادر شهید احمدالله

به تاریخ ۵ جوزای ۱۳۹۴موفق شدم به خانه ماتمدار دو شهید رفته پای داستان فراتر از ماتم بازماندگان شان بنشینم.

ذبیح‌الله پدر شهید محمد فیصل اینچنین از سختی‌ها و دردهایش برایم نالید:

«سی سال منحیث سمونوال پولیس به وطن خدمت نمودم و یک دست و دو چشم خود را نیز از دست دادم و حالا در خانه ویرانه که از پدر میراث مانده، با برادر و خواهر، مشترکا زندگی می‌کنم و زندگی سختی را با شش هزار معاش معلمی خانمم پیش می‌برم.»

ذبیح‌الله درباره مرگ دلبندش که او را سخت درهم‌فشرده، چنین گفت:

«هشت هزار و پنجصد سی سی خون به فرزندم گرفته بودم که وزیر صحت عامه همین مرتجع، همین خاین قسم خورد که ما خون داریم اما به اولادم یک سی سی خون نداد. گفت شما نفر بیاورید تا ما برای تان خون بدهیم، کسانیکه به فرزندم فیصل خون داده اند نام شان درج است، همه می‌توانند بروند لیست را ببینند که دوست، اقارب و اشخاص انسان‌دوست به فرزندم خون اهدا کردند، اما به فرزند زخمی‌ام خون به موقع نرسید و در نتیجه جانش را به حق سپرد.»

ذبیح الله از بیکاری پسر بزرگش که فارغ صنف دوازدهم است مثل بسا مردم دیگر درد کشیده، می گوید جوانانی که فارغ می گردند بار دوش جامعه می‌شوند چون زمینه کار برای شان وجود ندارد.


عادله مادر شهید فیصل

عادله مادر شهید فیصل با چشم های پر از اشک برایم گفت: «پسرم به علت ناوقت رسیدن خون جانش را از دست داد.» وی افزود «چون رییس جمهور اشرف غنی به عیادت گل پاچا مجیدی وکیل پارلمان که دو چره در پایش اصابت کرده بود می‌آمد، راه ها را بند کرده بودند و ما به علت راه‌بندی نتوانستیم به پسرک خود خون برسانیم تا اینکه جان داد.» مادر ماتمدار که بغض گلویش را گرفته بود، گریه سر داده گفت: «هنوز هر شام منتظر آمدن پسرم فیصل هستم و این غم مرا رها کردنی نیست.»

ژیلا مادر شهید احمدالله که با برادرش ذبیح الله زندگی می کند مدت ۱۳ سال است که شوهرش مفقود است. او دو دختر و یک پسر داشت که پسرش احمدالله را در این حمله انتحاری از دست داد. وی فعلا از بیماری قلب و فشار خون رنج می‌برد، با تمام مریضی که عاید حالش شده، مجبور است برای پیش‌برد زندگی کار کند. ژیلا فعلا در سواد حیاتی که در قلعه زمان خان موقعیت دارد کار می کند.


ژیلا مادر شهید احمدالله

ژیلا قصه می کند: «احمدالله‌جان سه ماهه بود که پدرش لادرک شد و فامیل شوهرم مرا با سه طفلم از خانه

بیرون کردند.» و او که مکررا اشک می‌ریخت، افزود: «اطفالم را با خون دل کلان کردم، به مکتب دادم، گرسنه خوابیدم تا فرزندانم راحت باشند، ولی نمی‌فهمیدم که غم باز به سراغ ما می‌آید. غم بزرگ از دست دادن احمدالله جان برایم قابل تحمل نیست و این غم همچو خوره‌ای مرا می‌خورد.... بعد از اینکه شوهرم را از دست دادم، تمام روشنی آینده‌ام را در چهره‌ی معصوم پسرکم می‌دیدم.»

ژیلا یکی از آرزوهای پسرش را با ناله و گریه چنین گفت:

«پسرم احمدالله امید داشت که مرا به آرزوهای ناتکمیلم برساند و همیشه مرا دلداری می‌داد که روزهای خوشی در انتظارت است. احمدالله باوجودیکه هنوز طفل بود با کار کردن در دواخانه می‌خواست مرا در پیش‌برد زندگی کمک کند. او هنوز به بلوغ نرسیده بود ولی به‌خوبی درد و غمم را درک کرده بود.»



فیصل و احمدالله که آرزوهای بزرگی در دل می‌پروراندند بجای رفتن به سوی مکتب در صبح ۱۰ حمل ۱۳۹۴ برای همیش در شهدای صالحین به خاک سپرده شدند.

خواهران احمدالله نیز از اینکه اول پدر و بعدا برادر یگانه شان را از دست داده اند اندوه و رنج از سیمای شان پیداست و اکنون نگران وضع صحی مادر شان اند. مادری که هم نان‌آور خانه است و هم پناه‌گاه آنان در هر حالت. جنایتکاران طالبی با آفرینش فاجعه تازه زندگی را برای این خانواده فقیر بیش از پیش مشقت‌بار ساخته اند.

در افغانســتان اسیر این تنها خانواده‌ای نیســت که قربانی ددمنشان طالبی و متجاوزان شــده اند بلکه در ســرزمین ما هزاران هزار کودک گمنام سالهاست آسان‌ترین قربانی جنگ‌های تحمیلی بوده اند و این خون‌های ریخته به‌مثابه لکه ننگ و ســیلی محکمی بر روی حکومت‌های شاریده و دست‌نشانده افغانستان و اربابشان شان تا ابد جاری خواهد بود و فقط التیام آن با بهار آزادی ملت مبتنی بر دولت مردمگرا و دموکراتیک می‌تواند آرامش خاطر مردم بیدفاع ما گردد و بس.



هزاران وسیله زرهی امریکا در دست داعش

جنرال لوید اوســتین، رییس مرکز فرماندهی ارتش امریکا تایید کرده اســت که داعش بیش از ۲۵۰۰ عراده تانک و وسایط زرهی ارتش عراق را تنها در شهر موسل در اختیار خود درآورده و در جنگ از آن استفاده می‌کند. این وسایط توسط امریکا به ارتش عراق سپرده شده بود.

این اظهارات مقامات پنتاگون در حالی ابراز گردیده اند که تعدادی از رســانه‌ها خبر می‌دهند که قطارهای طولانی وســایط داعش در دشــت‌های عراق و سوریه از یک شهر به شهر دیگر در حرکــت اند اما جنگنده‌های امریکا هیچکدام را هدف قرار نمی‌دهد. ائتلاف ضد داعش چند روز قبل اعلان نمود که شکســت دادن داعش به حداقل ۵۰ ســال زمان نیاز دارد، اما شــواهد کافی نشان می‌دهد که امریکا ظاهرا با این گروه قرون وسطایی در جنگ است، اما در عمل به کمک اسراییل و کشورهای منطقه آنان را تمویل و مورد حمایت قرار می‌دهد.

شماره ۳۳، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

د ګوند لید

له پاکستان سره تفاهم‌لیک، د حاکمې دستګاه وطن‌پلورنې دوام



له پاکستان سره استخباراتي تفاهم‌لیک، په هیواد کې ډیرې تاوده بحثونه په لاره واچول. ته به وای دا لومړی ځل دی چې لاسپوڅو او خاینو واکمنانو د پاکستاني پوځیانو پښې ښکلې کړي او د خلکو او وطن پر وړاندې یې نه بخښونکې خیانت ترسره کړې. ددغه تفاهم‌لیک غندونکي بې شمیره دي او هر یو هڅه کوي په سختو ټکو هغه وغندي. هغه کسان چې په تیرو څوارلسو کلونو کې ددغې فاسدي دستګاه کړې وي، اوس ددې لپاره چې ولس له پاکستان څخه کرکه لري، نو دوی هم له موقع څخه په ګټه پورته کولو سره او ددې لپاره چې خپل ځانونه د ولس پلویان وښایي او د خلکو تر منځ ځان ته ځای پیدا کړي، کوښښ کوي دغه تفاهم‌لیک و غندي.

د ارګ له پلوه پاکستان ته باج ورکول د خلکو کرکه را و پاروله او دا ددې لامل شوه چې د دولت ویاند خپلې لمړي خرګندونې بیرته واخلي او ولس ته

درواغ ووایي. اشرف غني او عبدالله د خلکو غولولو لپاره جهادي مشران و مشوري تر نوم لاندې ارګ ته وروبلل ترڅو خپله مرداري پټه کړي. خو دا څرګنده ده د هغو خلکو مشورې چې ټول عمر يې د آی.ایس.آی په چوپړتیا کې تیر شوی وي، د ولس څخه استازیتوب نشي کولای.

تر هغي چې په هیوادکې د پاکستان، ایران، امریکا، عربستان او نورو هیوادنو بې‌غیرته او باړه‌اخیستونکي سپیان محاکمه او په دار و نه ځړول شي د یادو هیوادنو د وینو ډک لاسونو به له افغانستان څخه لنډ نشي.

هغه ښځې او نارینه چې د پاکستان سره تفاهم‌لیک پر وړاندې غبرګون ښایي، هغه ورځ چې له امریکا سره بدمرغه هوکړه‌لیک لاسلیک کیده چیرته وو؟ مګر دوی دومره بې‌عقله دي او نه پوهیږي چې پاکستان د امریکا په جیب کې دی او د سپیني ماڼۍ کړنلارو پر اساس زمونږ په هیواد کې له ځناورو ترهګرو ملاتړ او هغوی تمویلوي؟ مګر دوی لا تر اوسه ندي پوهيدلي چې د پاکستان لاسپوڅي ډلې لکه طالبان، حزب اسلامي او حقاني د امریکا او انګلستان په ډالرو او وسلو سمبال او میدان ته راوتي؟ آیا دوی دومره بې عقله او ناپوه دي او دا ټکي نشي درک کولا که چیرې پاکستان د امریکا ګټو خلاف طالبان روزلي، آیا امریکا بیا هم دغه ترهګر روزونکي هیواد ته د اووه ملیارده ډالرو په ارزښت مخکي‌تللي وسلې او هر کال یو میلیارد نغد ډالر ورکول؟

نور نو ټول هغه خلک چې لږ سیاسي پوه هم ولرې پوهیږي چې پاکستان د امریکا ډاډه ستراتیژیک ملګری او زمونږ په هیواد کې د هغې ویجاړونکي او نیواکګر سیاستونو پلي کونکی دی. د پاکستان پوځ او آی.ایس.آی چې په سیمه کې د امریکا ښکاري سپیانو رول لري، د سپیني ماڼۍ په ملاتړ سره ترهګرې ډلې په وسله سمبالوي او زمونږ هیواد ته يې راستوي. مګر دا حقیقت په کراتو آن د چارواکو له خولې ندي اوریدل شوي چې طالبان د امریکایي چورلکو په واسطه د هیواد شمال ته وړل کیږي؟

دا ښاغلي او آغلي چې نن له پاکستان سره د ع او غ شرمناکې معاملې څخه نیوکه کوي، هغه وخت چیرې وو چې دغو دوه لاسپوڅو مشرانو له

خپلو بادارانو وغوښتل چې له ځناورو طالبانو بخښنه وغواړي، هغه وخت ولې چُپ وې او آواز مو نه اوچتیدو؟ دوی ولې دا غیرت نلرې چې د پاکستان جاسوسانو نومونه په ډاګه کړي؟ مګر په کراتو ندي ویل شوی چې په نظام او پارلمان کې د پاکستان نوکران شته؟

مګر دا لومړی ځل دی چې فاسدو او مزدورخویه ارګ‌ناستو ملي ګټې له پښو لاندې کړي او پـه معامله یې لاس پورې کړی؟ مګر کرزي په تیرو دیارلسو کلونو کې د ایران، امریکا، انګلستان، هند او نورو استخباراتو څخه د ډالرو بوجۍ وانخیستې او د ولس په ستونی یې پښه کینښودله؟ مګر همدا کرزی چې نن د رنډۍ په څیر د امریکا او پاکستان پر وړاندې خبرې کوی، د خپل ریاست په موده کې یې افغانستان د پاکستان او سیمې نورو هیوادونو لپاره د غوړې او ارزانه مړۍ په شان وړاندې نکړ؟ پس هغه وخت دا نیوکه‌کونکې چیرې وو او هیڅ آواز یې را اوچت نشو ولې نن یو دم د غفلت له خوبه را ویښ شول او د هیواد ساتنې په مورچل کې ودریدل؟

امرالله صالح، شکریه بارکزی، سپنتا، وحید عمر، فوزیه کوفی، سیاف، اسدالله خالد او یو شمیر نور چې په تیرو دیارلس کلونو کې د کرزی لاسپوڅي دولت مهمې کړۍ وې او په تیرو ټاکنو کې یې هم ع او غ لپاره ستوني وشکول، ولې نن له پاکستان سره د تفاهم‌لیک پر وړاندې راپاریدلي او غواړي چې ځانونه د ملي څیرو په شان خلکو ته وروپیژني، ولې دوی تیروتي دي، ځکه ولس دغه رټل شوی او بې‌وجدانه څیرې ښه پیژني چې ډیرۍ دغه کسان د هیواد په روان ناورین او ټول‌وژنه کې لاس لري.

دغه دومخي خلک، د امریکا جنایتکاره او جګړه‌مار دولت هره مرداري مني او د هغې پر وړاندې هیڅ غبرګون نه ښایي، نو په همدې اساس د پاکستان پر وړاندې ددوی خبری او ټوپونه وهل هم د ځان ښودنې پرته هیڅ مانا نلري. که داسی نده نو کله چې امریکایی پوځیانو د ننګرهار ګوشتې ولسوالۍ پاکستاني پوځیانو ته وسپارله او زمونږ پر خاوره یې تیری وکړ، ولې ددوی غږ اوچت نشو او ځانونه یې وړانده او کانه واچول او د ولس پر وړاندې دغه خیانت یې هیر کړ؟

د ګوشتي پر ولسوالۍ د پاکستان پوځ تیری هم له پاکستان سره د پټې هوکړې پر بنسټ شوی وو. په هغه وخت کې لالی حمیدزی، چې د پارلمان لخوا د یو هئیت په مشرۍ یې دغې ولسوالۍ ته سفر کړی وو، په خپل ګزارش

کې داسې وويل: «داسې لاسوندونه شتون لري چې حامد کرزي، دفاع وزير، کورنيو چارو وزير او ملي امنيت ادارې له پاکستان سره هوکړه‌ليک لاسليک کړی دی.» ولې همدغو پلورل شو عناصرو پر دغه ګزارش سترګې پټې کړې.

ايمل فيضي، په ارګ کې کرزي پخواني وياند، په هغه ليکنه کې چې د بي‌بي‌سي په ويب‌پانه کې د ۱۳۹۴ د غويي په ۳۰مه نيټه خپره شوه داسې ليکي:

«يو افغان چې د حکومت ملاتړی دی، حق لري وپوښتي ولې د ملي يووالي حکومت داسې د پاکستان خوښې سياست مخې ته بيايي؟ برسيره پر دې چې د پاکستان پر وړاندې بدبيني موجوده ده، ارګ ولې د اسلام‌آباد سره نږديوالي ته دومره ليواله ده؟»

دغه ښاغلي بايد دا پوښتنه هغه وخت چې د کرزي له مخ او سر څخه مرداري څڅېده، له خپل بادار څخه پوښتلې وای چې ولې د پاکستان راضي کولو لپاره شل ځلې په ټيټ سر هغه هيواد ته سفر وکړ او د هغوی توغنديز بريد پروړاندې چپ پاتې شو. که چيرې فيضي واقعاً د «پاکستان خوښې» سياست شرم ګڼلی، هغه وخت يې بايد غبر اوچت کړی وای چې کرزي د پاکستاني چارواکو قدمونو ښکلولو لپاره هغه هيواد ته سفر کاوه، او هر ځل د هغه هيواد چارواکو لخوا بې‌عزته کيده او هوايي ډګر ته ښه‌راغلاست لپاره د ورزش وزير ورتلو. هغه بايد دا نيوکه هغه وخت کړې وای چې کرزي د پاکستان انسان‌خوړونکي غلامان «ناراضه ورونه» ونومول، ځناور مشران يې د بندخونو خوشې کړل او د ولس په بودجه يې د کابل په ښار کې و نازول.

دا څرګنده ده چې په تيره کې هم د ملي امنيت او آی.ايس.آی ترمنځ داسې يو تفاهم‌ليک موجود وو، ولې اوس چې امريکا غواړي د روسې بې‌ثباتۍ لپاره د افغانستان شمال ناامن کړي، نو د ځناورو ګروپونو لکه داعش او طالبانو قوي‌کولو او وسلې ورکول دنده پاکستان ته سپارلې ترسو د افغانستان دولت په مرسته دغه دنده په آرامۍ سره پر مخ بوځي. په هيواد کې د روانو ناخوالو پر وړاندې د ملي ځناورتوب دولت چوپتيا هم له همدې سياست څخه سرچينه اخلي. دغه شړيدلی دولت چې د جان‌کري په هڅو منځ ته راغی، تر ټولو دمخه بايد سپينې ماڼۍ ته ځواب ورکړي. نو له داسې يو ريشخند او فاسدې دستګاه څخه د «هيواد ملي ګټو ساتلو» تمه، د ځان غولولو پرته بله مانا نلري.

اما زمونږ خلکو لپاره چې له تیرو دری لسیزو راهیسې د پاکستان لیوه روزونکي دولت او په خاصه توګه د آی.ایس.آی مرګونی دستګاه او د هغه هیواد پوځیانو له خوا کړیدلي، که د پاکستان غلامان دغه تفاهم‌لیک لاسلیک کړی او کی یی لاسلیک نکړي، د غندلو او جزاء ورکولو وړ ده. زمونږ ولس لپاره دغه تفاهم‌لیک په هماغه کچه د شرم وړ ده لکه له واواک، ام.آی.شپږ، سی.آی.ای او د نړۍ نورو خارګرو سازمانو سره تفاهم، هغو سازمانو چې په تیرو دیارلس کلونو کی کرزي ته د ډالرو بوجۍ ورکولی تر څو د هغوی په خوښه هیواد د ویجاړۍ لوري ته بوځي.

تر هغې چې په هیواد کی د پاکستان، ایران، امریکا، عربستان او نورو هیوادنو بی‌غیرته او باړه‌اخیستونکي سپیان محاکمه او په دار و نه ځړول شی د یادو هیوادنو د وینو ډک لاسونو به له افغانستان څخه لنډ نشي. که چیرې دننه په هیواد دغو وطن‌پلورونکو او خاینو کړیو له هغوی سره مرسته نه وای کړی، هغوی هیڅ کله نه توانیدل چې زمونږ هیواد او خلک د ویر او ویجاړۍ لوری ته بوځي.



ابرقدرت درمانده

کارتونیست: مایکل رامیرز Michael Ramirez

شماره ۳۲، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

نویسنده: احمر

مستندی از چپاول معادن یک میلیارد دالری پنجشیر



ثروت زیرزمینی افغانستان بیش از یک تریلیون دالر (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) تخمین زده شده‌است. هرچند، بعضی از متخصصان این ثروت را به‌مراتب بیشتر از آن می‌پندارند. پروفیسر میشل شوسودفسکی در مقاله‌ای درمورد معادن افغانستان به نقل از تحلیل بانک جهانی می‌نویسد که «تولیدات معدن عینک به تنهایی خود می‌تواند ۲ فیصد عاید مارکیت سالانه جهان را به دست گیرد.» و در ادامه علاوه می‌نماید:

«سروی‌های جیولوژیکی اتحاد شوروی در دهه ۱۹۷۰ و آغاز ۱۹۸۰ موجودیت ذخایر بزرگ معدنیات (که از جمله بزرگترین‌ها در یوریشیا است) را تثبیت می‌کند که شامل آهن، سنگ دارای کرومیوم، یورانیوم، بیروج، باریم، سرب، جست، فلورایت، باکسایت، تانتیلیوم، زمرد، طلا و نقره می‌شود. (افغانستان، مرور سالانه معدنیات، مجله معدنیات، جون ۱۹۸۴). این سروی‌ها اظهار

می‌دارند ارزش واقعی این معادن به مراتب بیشـــتر از یک تریلیون است که در مطالعات وزارت دفاع امریکا، "مرکز سروی جیولوژیکی ایالات متحده" و "یو.ایس.اید" تخمین شده‌است.»

افغانســـتان سرشار از زمرد اســـت که دومین ســـنگ گرانبها پس از الماس می‌باشـــد. زمرد افغانستان در ســـطح جهان از جمله بهترین‌ها به‌شمار می‌رود و در رده‌ی دوم و ســـوم زمرد کلمبیا و برازیل قرار دارند. هیچ زمردی در جهان به اندازه زمرد افغانســـتان رنگ سبز و بلورین ندارد. قدامت استخراج زمرد در افغانســـتان به دهه‌های اخیر می‌رسد، زمانی که احمدشاه مسعود به افرادش امر استخراج و قاچاق این سنگ گرانبها را از کوه‌های پنجشیر داد.

در مستند «ســـنگ‌های گرانبهای پنهان: بُعد وحشت»، دو فلمساز فرانسوی (ایریـــک دی لاوارینی و ویرانیک ماودی) با تاجر فرانســـوی بـــه نام رافایل شوباب که در گذشته آموزگار نظامی در افغانستان بوده، یکجا شده و به دیدار معدنچیان پنجشیر می‌روند. قسمی که از نام مستند هویداست، در این فلم از بُعد وحشت مصایب معدنچیان، برخورد ستمکارانه در استخراج زمرد، سود فراوان مافیای این تجارت، بخصوص افراد شورای نظار پرده برداشته می‌شود.

در این مســـتند که از طریق تلویزیون «الجزیره انگلیسی» نیز نمایش داده شده، ادعا می‌گردد از قاچاق زمرد افغانستان که بیشتر از طریق پاکستان و هند صورت می‌گیرد، سالانه ۱۵۰ میلیون دالر به جیب این انسان‌های حریص می‌آید و درصورتی‌که این صنعت به‌شـــیوه مســـلکی به پیش بـــرده شـــود، در حدود ۱ میلیارد دالر نصیب دولت این کشور شده می‌تواند. امـــا از آنجایی که تجارت و قاچاق این سنگ قیمتی در افغانســـتان در دســـت افراد شـــورای نظار است، ایـــن پول‌ها شـــکم آنان را چاق‌تر می‌کند. اســـتخراج معادن در عدم حضور نماینـــده‌ی وزارت صنایع و معادن صورت می‌گیـــرد و از تاجران خرده‌پا گرفته تا غول‌های تجاری زمرد،



احمدولی مسعود حین دیدار با تاجر زمرد در «بنیاد مسعود»

هیچ کسی به دولت گزارشی نمی‌دهد.

زمانی که رافایل شوباب (تاجر فرانسوی زمرد در افغانستان) می‌خواهد از معادن زمرد پنجشیر دیدار نماید، وی نزد احمدولی مسعود (برادر احمدشاه مسعود) در دفتر «بنیاد مسعود» رفته و از او اجازه دیدار معادن را دریافت می‌کند. در ضمن، احمدولی مسعود با اعتماد کامل در زمینه کار و بار زمرد به رافایل تاکید می‌کند: «هر کاری که از ما می‌خواهی، به دوستان در بنیاد [مسعود] بگو که مشکل را حل کنند. در اینجا باشد، پنجشیر یا کدام ولایت دیگر. ما برایت کمک خواهیم کرد.»



محمد گل، راننده پیشین احمد شاه مسعود، که به امر وی به تجارت زمرد پرداخت و امروز به غول بازار زمرد افغانستان مبدل شده‌است.

فلمساز به سراغ غول تجارت زمرد می‌رود که محمد گل نام دارد. محمد گل خود را راننده پیشین احمدشاه مسعود معرفی نموده عکس‌های جوانیش مشترک با مسعود را نشان می‌دهد و می‌گوید که در دهه ۱۹۸۰ مسعود وی را به این ماموریت گسیل داشت تا مقداری از زمرد را از نزد معدنچیان به دست آورده و در خارج به فروش برساند. امروز او بر این باور است که این تجارت مربوط خودش می‌شود. این راننده پیشین مسعود که امروز به تاجر فربه مبدل شده، انحصار بخش اعظم بازار را در اختیار دارد و کسی است که قیمت یاقوت، یاقوت آبی و زمرد را تعیین می‌کند.

در این مستند، صحنه‌های متعدد از زجر و آلام معدنچیان روی پرده می‌آید. معدنچیانی که روزانه به دور از خانه و کاشانه‌ی شان مجبورند برای ۱۸ ساعت کار کنند؛ معدنچیانی که در ناامن‌ترین شرایط دل کوه‌ها را نبش می‌زنند؛ معدنچیانی که گرد و خاک حتا دور حدقه چشمان شان حلقه زده و با خرید خطر مرگ به جان شان، صخره‌ها را انفجار می‌دهند؛ معدنچیانی که از امراض مزمن تنفسی و گرده رنج می‌برند؛ اما در فرجام فقط هفته تقریبا ۳۵۰۰ افغانی نصیب شان می‌شود.

باوجود تمام این نابسامانی‌ها، در اینجا بی‌تفاوتی «وزارت صنایع و معادن» را نیز می‌توان دید که سخنگویش فقط مثل دولتی‌های دیگر پوشیدن دریشی لوکس را بلد است و بس. او چند ماده قانون را طوطی‌وار تکرار می‌کند و نه چیزی بیشتر. در ۲ سرطان ۱۳۹۴، تلویزیون «طلوع» گزارش داد که در حال حاضر ساحه سه هزار معدن از سوی «گروه‌های مسلح غیرمسوول» مورد چپاول قرار دارد.



تصویری از احمدشاه مسعود حین فروش سنگ‌های قیمتی

این مستند گوشه‌ای از منابع زیرزمینی وافر افغانستان را برملا می‌کند، منابع سرشاری که چپاولگران جنگسالار بر آن سینه انداخته بدون ترس از بازپرس این داشته‌های ملی را غارت می‌کنند. معادنی که کشورهای زورگو را به‌سوی افغانستان کشانده و تا زمانی که سیطره‌ی چنین دولت پوشالی بر سرنوشت ملت شوربخت ما سایه پهن کرده باشد، به نظر می‌رسد که در سال‌های آتی هم عسرت‌های ما کاهش نخواهد یافت.

این مستند را در یوتیوب از طریق لینکهای زیر ببینید:

بخش اول: youtube.com/watch?v=1eJjzPzbaTc

بخش دوم: youtube.com/watch?v=CKgUAetQuCc

شماره ۳۳، سرطان ۱۳۹۴ - جولای ۲۰۱۵

لیکونکی: نوید نابدل

له امان الله خان څخه زده کړه: واړه عملی ګامونه له لوړو باټو ښه دي



امان الله خان پر هیواد او پرمختګ مین پادشاه په توګه، د هیواد پرمختګ او ویاړ لپاره له کوچنیو لارو ګټه پورته کوله. په کال ۱۳۰۳ کی د پغمان په لویه جرګه کی برسیره پر دی چی د انګلیس روزل شوی ملایانو له لوری تر سخت فشار لاندی و ترڅو د هغه ولسی‌حکومت کمزوری کړی ولی هغه جدی هڅه وکړه چی استازي دی ته وهڅوی ترڅو د هیواد پرمختګ لپاره ګامونه پورته کړي. ددې جرګې لاسوندونه د «دارالسلطنه لوی جرګې پیښې» په نامه خپاره شول چی یوه نسخه یی د افغانستان په ملی آرشیف کی موجوده ده. یوه برخه یی چی د «وطنی پوښاک اغوستلو باندی ټینګار» تر نامه لاندی ده زما توجه ځان ته راوګرځوله چی دلته یی راوړم:

«اعلحضرت: پدی جرګه کی می ستاسو ډیر لحاظ وکړ:
ځکه چی تاسو هر یو بهرنـي ټوکر اغوستی او دلته راغلی
یاست دا په داسی حال کی ده چی له ډیرې مودی راپدیخوا


۳۵۵

تاکید پوشیدن البسهٔ وطنی

اعلیحضرت

درین جرگه من بسیار لحاظ شما را کرده‌ام :- زیرا هر کدام
تان تکه‌های نماری را پوشیده آمده اید حالانکه من از
مدتی این شیوه را محض ترغیب اهالی بسوی تکه‌های ساخته و بافته شدهٔ
مملکت افغانی اختیار نموده‌ام که بدست خود البسه هر کسی را که از تکهٔ خارجه میبود پاره
پاره میکردم، ببینید که امروز همه مأمورین دولت تان بجز از تکه‌های ساخت
و پاکیزهٔ وطن مقدس تان دیگر چیزی را نپوشیده اند، در خصوص از اشخاص
هراتی و ترکستانی که تکه‌های ساخته و بافتهٔ وطنی خود را پوشیده آمده اند
تشکر میکنم، اگر هر کدام تان از هر جایی که آمده اید تکهٔ همانجا را پوشیده
می آمدید چقدر خوب میشد که هم نمونهٔ تکه‌های هر ولایت افغانستان را با
نشان میدادید و هم خیلی از شما خوش میشدم.
باید که در لویه جرگهٔ آینده همه تان با لباسهای وطنی خود ها را پوشیده
بیائید. باز میگویم که در خصوص بدرجهٔ لحاظ شما را کرده‌ام که لحاظ هیچ کسی را نکرده‌ام

وطني پوښاک اغوستلو باندې ټينګار

د هیـواد تولید
ودې لپاره ما دا
لاره غوره کړې
چې هـر څوک
مـې کـه ولیده
چې بهرني ټوکر
یـې پـه ځـان
وی پـه خپلـو
لاسـونو هغـه
څیـرې کـوم.
تاسـو وګـورې
چې نن د دولت
مامورین پرته د
وطن له پاک او
سـتره ټوکر بل
څه نه آغوندي.
پـدې لـړ کـې
لـه هراتـې او
ترکستانی هیوادوالو چې وطنی ټوکر یې اغوستی او غونډې
ته راغلی مننه کوم. که ستاسو هر یو له هر ځای څخه چې
راغلی یاست و هماغه ځای ټوکر مو آغوستی وای ځومره په
ښــه ښـکاریدلی چې د هر ولایت ټوکر مو مونږ ته راښودلی
وای او څومره به درڅخه خوښ شوي وای.
بایـد پـه راتلونکی لویه جرګـه کې خپل وطنی پوښـاک
واغونـدی او دلته راشــی. بیـا هم وایم چې پـه دې اړه مې
ستاسـو ډیر لحاظ کړی چې تر اوســه مې د هیڅ چا لحاظ
ندی کړی.»

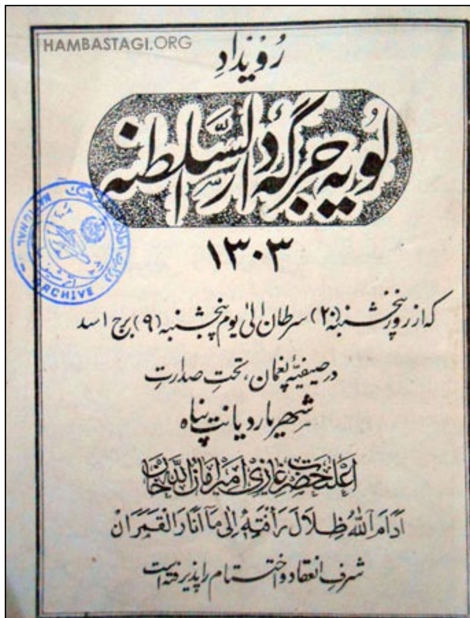
د اماني دورې «رشـدیه ښـوونځي لومړي ټولګي لپـاره ادبي منتخبات»
کتـاب کـې، یوه لیکنه چې له «امان افغان» څخه را نقل شـوی په یوه برخه
کې کورنیو تولیداتو ته د امان الله خان پام په اړه راغلي:

وارادهٔ هر تاجدار بوده بحال یك صنعت رسانیده است .
امیر ازکلاه گرفته تابوت همهٔ لباس خود را ازساخت محلی

(٦٢)

وطنی میسازد ـ ساخت داخله را خیلی بتعصب ترویج میدهد .
اگر دربر وزرا وتبعهٔ خود یا کسی از ترکان لباس اروپائی به بیند
فوراً می برد ومیدرد وازاین جهت همیشه بجیبش مقراض میباشد .
درکابل سفرای دول اجنبی را هم اگر گوگرد وطنی استعمال
نکنند استادانه تنقید میکنند ، ترکان

« امیر له خولۍ نیولی تر بوټانو او ټولوي جامې له کورنیو او وطني تولیداتو اخلي - ډیره هڅه کوی چی کورني تولیدات د خلکو تر منځ رواج کړي. که د وزیرانو او یا د افغانستان اوسیدونکي او یا ترکانو پر تن اروپایی جامې ووینې سم دستي هغه شلوي او همدی کار لپاره تل خپل جیب کی بیتي ګرځوي. په کابل کی هم که د پردیو هیوادونو سفیران وطني ګوګرد و نه کاروی په ډیر مهارت سره پر هغوي نیوکه کوي...»


HAMBASTAGI.ORG
رُوئیدادِ
لُویه جرگهٔ دارالسّلطنه
۱۳۰۳
که از روز پنجشنبه (۲۰) سرطان الیٰ یوم پنجشنبه (۹) برج اسد
در صیفیهٔ پغمان، تحتِ صدارتِ
شهریار دیانت پناه
اعلیحضرتِ غازی امیر امان الله خان
ادام الله ظلال رأفته الیٰ ما انار القمران
شرفِ انعقاد واختتام راپذیرفته است

دارالسلطنه لوی جرګې پیښې

د امان الله خان له دی ټینګار څخه پوهیدلی شو چی هغه د افغانستان پرمختګ او کورني تولیداتو ودی ته څومره لیواله وه. او که هغه د اوسني ملی څناورتوب حکومت له مشرانو سره چی د کور لومړني وسایل هم له دوبی څخه راوړی پرتله کړو، هغه وخت کولای شو ددغه پرمختللی شاه پرهیواد مین‌توب پوه شو.

هغه واکمن چی د زړه له کومی د هیواد پرمختګ وغواړي، د اشرف غنی په څیر له لوړو باتو

او هیڅ عمـل څخه پیل نه کوی. د ټاکنو په بهیر کی اشـرف غنی او عبدالله د خلکـو غولولو پـه خاطر، په ګڼو ولایتونو کی غـوړې ژمنې وکړې چې خپله هم پوهیدل هغه نشـی پوره کولای. د مثال په توګه اشـرف غنی د یوې وینا په ترڅ کی د جوزجان خلکو ته وویل «جوزجان به نه یوازی ټول افغانسـتان ته بریښنا ورکړي بلکه بهر ته بـه هم بریښـنا صادره کـړي» هغـه څـو ورځې وړانـدی هم یوه بلـه باټه ووهله چـی «افغانسـتان بـه پـه راتلونکی لسـو کلونـو کی د نـړۍ تر ټولو سـتر د اوسـپنې او مسـو صادرونکی هیـواد وي». البتـه د ټاکنیز کمپایـن پـه لړکی لـه ع او غ څخه دارنګـه باټـې او سـره او شـنه باغونو بـشـکاره‌کول ډیر ولیدل چې یوه سـلنه بـه یی هـم عملـی نکړي ځکـه چې دوی دواړه نه د



هیواد او خلکو سـره د مینی پر بنسـټ بلکه د بهرنیو نیواکګرو په مرسـته او شخصی موخو ته رسیدو لپاره ارګ ته راغلی دي.

ولـی شـاه امان الله خان د هیـواد ودانولو او پرمختګ لپـاره واړه ګامونه پورته کړل چې لس کلن حکومت یی د نن په تاریخ کی له لاسـته‌راوړنو ډک ګڼل کیږي. هغه د هیواد پرمختګ او سـرلوړۍ سره داسی مینه درلوده چې په ځنی برخو کی یی ګړندي ګامونه پورته کړل چې یو شمیر مزدورو او بهرنیو روزل شو ملایانو ترینه ګټه پورته کړه او پاځونونه یی په لاره واچول او هیواد یی ګړنګینی کندې ته وغورځوه.



نویسنده: هیله نوری

سند محرم پنتاگون ارتباط امریکا با داعش را فاش می‌سازد



یک سند محرمانه پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) از سال ۲۰۱۲ که در ماه می ۲۰۱۵ بیرون داده شد ثابت می‌سازد که دولت امریکا برعکس ادعای مبارزه علیه گروه «داعش»، با رسانیدن کمک به گروه‌های تروریستی، این لشکر مرگ و بربادی را ساخت تا از آن منحیث اسلحه استراتژیک علیه دولت بشار اسد کار گیرد و در ضمن حضور این گروه را زمینه‌ای برای بازگشت نظامیان امریکا به عراق سازد.

سازمان «حقوق شهروندی امریکا» بر اساس قانون «آزادی معلومات» از طریق محکمه‌ای دولت امریکا را مجبور به پخش بعضی اسناد محرمانه دولتی ساخت، هرچند قسمت‌های زیاد این اسناد سانسور شده اند.

نفیس‌احمد، روزنامه‌نگار امریکایی، از میان این اسناد، سندی را مورد تحلیل و تجزیه قرار داده است که در سال ۲۰۱۲ از سوی پنتاگون به وزارت

خارجه آن کشور ارسال شده است. این سند فاش می‌سازد که دولت امریکا به کمک کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه، القاعده عراق و سایر گروه‌های تروریستی سلفی را مورد حمایت قرار داد باآنکه پیش‌بین رویکار آمدن «دولت اسلامی» در سوریه و عراق بودند.

A. INTERNALLY, EVENTS ARE TAKING A CLEAR SECTARIAN DIRECTION.

B. THE SALAFIST, THE MUSLIM BROTHERHOOD, AND AQI ARE THE MAJOR FORCES DRIVING THE INSURGENCY IN SYRIA.

C. THE WEST, GULF COUNTRIES, AND TURKEY SUPPORT THE OPPOSITION; WHILE RUSSIA, CHINA, AND IRAN SUPPORT THE REGIME.

TRAIN THEM ON THE IRAQI SIDE, IN ADDITION TO HARBORING REFUGEES (SYRIA).

C. IF THE SITUATION UNRAVELS THERE IS THE POSSIBILITY OF ESTABLISHING A DECLARED OR UNDECLARED SALAFIST PRINCIPALITY IN EASTERN SYRIA (HASAKA AND DER ZOR), AND THIS IS EXACTLY WHAT THE SUPPORTING POWERS TO THE OPPOSITION WANT, IN ORDER TO ISOLATE THE SYRIAN REGIME, WHICH IS CONSIDERED THE STRATEGIC DEPTH OF THE SHIA EXPANSION (IRAQ AND IRAN).

D. THE DETERIORATION OF THE SITUATION HAS DIRE CONSEQUENCES ON THE IRAQI SITUATION AND ARE AS FOLLOWS:

--1. THIS CREATES THE IDEAL ATMOSPHERE FOR AQI TO RETURN TO ITS OLD POCKETS IN MOSUL AND RAMADI, AND WILL PROVIDE A RENEWED MOMENTUM UNDER THE PRESUMPTION OF UNIFYING THE JIHAD AMONG SUNNI IRAQ AND SYRIA, AND THE REST OF THE SUNNIS IN THE ARAB WORLD AGAINST WHAT IT CONSIDERS ONE ENEMY, THE DISSENTERS. ISI COULD ALSO DECLARE AN ISLAMIC STATE THROUGH ITS UNION WITH OTHER TERRORIST ORGANIZATIONS IN IRAQ AND SYRIA, WHICH WILL CREATE GRAVE DANGER IN REGARDS TO UNIFYING IRAQ AND THE PROTECTION OF ITS TERRITORY.

نفیس‌احمد از براد هوف، یک سرباز دریایی امریکا که در نخستین سالهای جنگ عراق وظیفه انجام داده است نقل می کند:

«استخبارات امریکا رویکار آمدن دولت اسلامی در عراق و شام را پیش‌بینی کرده بود، اما به جای مشخص کردن این گروه منحیث دشمن، بر اساس گزارش، این گروه تروریستی را همچون حربه استراتژیک امریکا در نظر گرفت.»

روزنامه «یونگه ولت» آلمان به تاریخ ۲۶ می ۲۰۱۵ در مورد این سند محرمانه مقاله‌ای به نشر رسانید که رضا نافعی آنرا به فارسی برگردانده است. در بخشی از این نوشته می‌خوانیم:

«سازمان اطلاعاتی پنتاگون در گزارش سه سال پیش خود تاکید می‌کند که "گسترش شورش در سوریه" بگونه‌ای روز افزون

"مسیری فرقه‌گرایانه" را طی می‌کند و "سلفی‌ها، اخوان‌المسلمین و القاعــده در عراق نیروی محرکه اصلی برای شــورش در ســوریه هستند."

گزارش سازمان اطلاعات پنتاگون پیش‌بینی می‌کند که عروج چنان "کشور اسلامی" نتیجه مستقیم استراتژی امریکا برای ایجاد بی‌ثباتی در ســوریه اســت. آثاری از تردید یــا ناراحتی اخلاقی از همکاری با تروریست‌های سلفی در این گزارش مشاهده نمی‌شود. برعکس، در این ســند، پیدایش "خلافت ســلفی" که هم‌پیمان با القاعده باشد یک "شانس استراتژیک" برای تحقق اهداف واشنگتن در منطقــه اســت به بهانــه تغییر رژیــم در ســوریه و پس راندن "توسعه‌طلبی شیعی" یا ایران».

حمایــت امریکا و غــرب از گروه ماورای تروریســتی و مرتجع «داعش» باعث راه افتیدن وحشــت بی‌مانندی در ســوریه و عراق شــده که روزتاروز این موج بربریت به کشــورهای دیگری ســرایت نموده جهان را با خطر جدی مواجه ســاخته است. این گروه با راه‌اندازی قتل‌عام‌های وحشیانه تا کنون جان صدهاهزار انسان بی‌گناه را گرفته است و بخصوص در برابر اقلیت های مذهبی و زنان سفاکی بی‌مانندی را پیشه کرده اند.



هرچند ســند بالا از سال ۲۰۱۲ است، اما طی سه سال گذشته بارها شواهدی از رسانیدن کمک های تسلیحاتی به گروه قرون‌وسطایی داعش از سوی امریکا گزارش شده اند. دولت‌های مســتبد ترکیه و قطر شرکای جرم امریکا در این جنایت ضدبشری بوده اند.



نویسنده: هیله نوری

امریکا، رهبر جهانی در زمینه فقر کودکان



شـعار امریکا در لشکرکشـی به افغانسـتان، «بهبود وضعیت زنان»، «آوردن دموکراسی» و «احیای زمینه تحصیل برای کودکان افغانسـتان» بود. این ادعاها را زیاد در سخنرانی ها و تبلیغات مقامات شـنیده‌اید پس حتما تصـور می‌کنید که وضعیت زنان و کودکان در داخل امریکا بهشـت‌گونه است که حال دولتش به فکر اطفال و زنان سایر کشورها برآمده است.

اما در گزارشی تحت عنوان «امریکا در زمینه فقر کودکان رهبر جهانی‌ست» که به قلم پاول بوخیت به تاریخ ۱۳ اپریل ۲۰۱۵ در نشـریه «آلترنت» به نشر رسیده است، واقعیت فاجعه‌بار کودکان امریکا را می‌توان دریافت:

«ثروت امریکا طی شـش سال گذشته ۶۰ فیصد افزایش یافته به بالاتر از سی تریلیون دالر رسیده است. و در تقریبا همین مدت، تعداد کودکان بی‌خانه نیز ۶۰ فیصد بیشتر گردیده است.»

در میان کشورهای پیشـرفته جهان، امریکا بالاترین میزان فقر کودکان را

دارا می‌باشد. بر اساس گزارش یونیسف: «از نظر رفاه مادی کودکان، هالند و چهار کشور شمال اروپا در بالاترین رتبه قرار دارند اما در لتونی، لیتوانیا، رومانیا و ایالات متحده امریکا در پایین‌ترین سطح قرار دارند.»



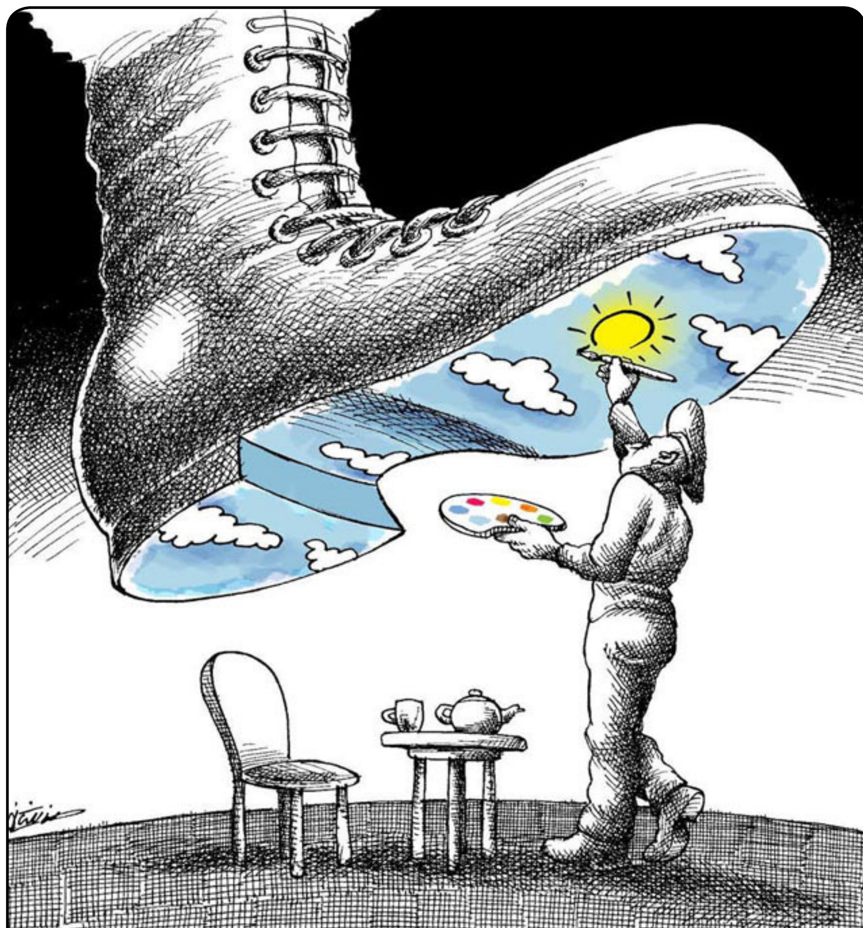
آمار «یونیسف» نشان می‌دهد که ۲۳.۱ فیصد کودکان امریکا در فقر مطلق زندگی دارند.

بر اساس گزارش «آلترنت»، «بیش از نیمی از شاگردان مکاتب دولتی به حدی فقیر اند که باید غذای چاشت برایشان داده شود، و تقریبا نیمی از کودکان سیاه‌پوست زیر شش سال در فقر بسر می‌برند.... در سال ۲۰۰۷، از هر صد کودک امریکا، ۱۲ تن شان نیازمند کوپون غذایی بودند، اما این تعداد امروز به ۲۰ در هر صد کودک رسیده است.» این تعداد ۱۶ میلیون کودک امریکایی را شامل می‌شود.

در زمینه حقوق کودکان نیز امریکا وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد. تنها دو کشور جهان اند که تا هنوز «پیمان‌نامه حقوق کودک ملل متحد» را تصدیق نکرده اند، سومالیا و ایالات متحده امریکا.

در کشوری که بی‌عدالتی اقتصادی تا این حد مردمش را به فقر کشانیده باشد، در آنجا هرگز نمی‌توان از موجودیت دموکراسی واقعی حرفی به میان آورد. دموکراسی تنها به انتخابات و داشتن پارلمان خلاصه نشده، عدالت و رستگاری اکثریت جامعه مولفه اصلی آنرا تشکیل می‌دهد که امریکا درین زمینه وضعیت ابتر دارد. کشوری که خود از دموکراسی فاصله داشته باشد،

ادعایش برای صدور دموکراسی به سایر کشورها، مضحک و خنده‌آور است. دولتی که بـرای حفظ هژمونی جهانی‌اش چندین تریلیـون دالر را در عرصه نظامی به مصرف می‌رسـاند، در داخل نتوانسـته اسـت زندگی انسـانی را به اکثریت باشندگانش مهیا نماید.



ماموریت روشنفکران خودفروخته

در جوامع استبدادی و اسیر، روشنفکران و هنرمندان خودفروخته، سرکاری و مرتجع وظیفه دارند که ستمگران و اشغالگران را در قالب خوشنما و دلپسند پیشکش کرده با این خیانت شان مردم ناآگاه را فریب دهند.

نشریات «حزب همبستگی افغانستان» را در کابل و ولایات از آدرس‌های ذیل به دست آورده می‌توانید:

کابل

نمایندگی انجمن نویسندگان افغانستان
جوار پارک تیمور شاهی

شرکت کتاب شاه محمد
چهارراهی صدارت

کتاب فروشی مقدم
مارکیت جوی شیر کابل

انتشارات طیب روشن،
کوته سنگی، مارکیت مینه یار،
مقابل کورس بهزاد

کتابخانه وحدت
نیاز بیک، دکان حاجی

کتاب فروشی معلم محمد وحید
د افغانستان آریانا مارکیت، دکان اول

کتاب فروشی رفیع الله
پل باغ عمومی، لب سرک، زیر پشتنی بانک

انتشارات تمدن شرق
بین چهارراهی دهبوری و چوک کوته سنگی، مقابل لیسه رحمن بابا

هرات

کتاب و قرطاسیه فروشی عبدالجبار "یعقوبی"
جکان غوند یازده،
مقابل مکتب متوسطه خلیل الله خلیلی

بلخ

کتاب فروشی عبدالغفور عرفانی
کتاب فروشی عبدالرازق انصاری
مزار شریف، چهارراهی بیهقی،
پوسته خانه شهری

کتاب فروشی فیروز
مقابل نشنل بانک پاکستان

غزنی

کتاب و قرطاسیه فروشی توحید
شهرک البیرونی، جاده خاتم الانبیا

کتاب و قرطاسیه فروشی احمدی
پلان سوم، کوچه زیارت خواجه علی

کتاب فروشی فرهنگ ۱
جوار کتابخانه عامه

کتاب فروشی فرهنگ ۲
سرک تانک تیل کهنه، رسته نجارها

ننگرهار

غرفه فروش اخبار و مجلات جمیل شیرزاد
جلال آباد، چوک تلاشی،
مقابل گمرک کهنه

کتابفروشی سیار
ولسوالی خیوه

کندز

قرطاسیه فروشی محمد هارون
جاده ولایت

کنر

کتابفروشی احمد ظاهر
چغانسرای، سرک قومندانی

تخار

فوتوکاپی آمو، نجیب الله رحیمی
تالقان، بندر بدخشان، مقابل فوائد عامه،
دکان نمبر ۱۰

فراه

کتابفروشی عزیزی
واقع ناحیه سوم،
مقابل لیسه نفیسه توفیق میر زایی

هموطنان درد دیده،

اگر خواهان افغانستان مستقل، آزاد و دموکرات هستید؛ اگر آرزوی سربلندی افغانستان و آسایش مردم مظلوم ما را به دل دارید؛ اگر تلاش می‌ورزید علیه جنایات و خیانت‌های اشغالگران و نوکران میهن‌فروش شان نقشی ادا کنید، به «حزب همبستگی افغانستان» بپیوندید و در تکثیر و پخش نشریات حزب تان هرچه بیشتر و وسیع‌تر بکوشید!

آدرس: پست بکس شماره ۲۴۰، پسته خانه مرکزی
کابل ـ افغانستان

موبایل: 0093-700-231590

ایمیل: info@hambastagi.org

سایت: www.hambastagi.org

فیسبوک: FB.com/Afghanistan.Solidarity.Party
facebook.com/hambastagi

تویتر: twitter.com/hambastagi

یوتیوب: youtube.com/AfghanSolidarity

«حزب همبستگی افغانستان» برای پیشبرد فعالیت‌هایش به حق‌العضویت اعضا و اعانه‌ی هواداران و دوستدارانش اتکا دارد. با کمک‌های نقدی تان ما را یاری دهید:

Azizi Bank
Koti-e-Sangi Branch, Kabul, Afghanistan
Name: Sayed Mahmood
Account No: 001903204644917

THE Voice of Solidarity
(HAMBASTAGI GHAG)
A Monthly Publication of the Solidarity Party of Afghanistan

33
JULY
2015



صایمه و صادق رفتند،
پارلمان‌نشینان بر تخت خود برجا

صفحه ۸

قیمت: ۲۵ افغانی